

مقاله حاضر بر آن است تا با نگاهی برساخت‌گرایانه، تعهد زناشویی را از منظر زنان درک کرده و براساس تفسیر آنان، تصویری جامع از علل و عواملی که موجب ایجاد و تغییر تعهد در روابط زوجین می‌شود، ارائه دهد. در این تحقیق با اتخاذ رویکرد تفسیرگرایانه و با روش نظریه‌مبنایی به برساخته شدن تعهد زناشویی پرداخته شده است. نمونه تحقیق ۳۸ نفر از زنانی هستند که تجربه تأهل را داشته و به روش نمونه‌گیری هدفمند و نظری انتخاب شدند. پس از اعتمادسازی، اطلاعات مورد نیاز از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختار یافته جمع‌آوری شده و تحلیل داده‌ها به روش کدگذاری سه مرحله‌ای باز، محوری و گزینشی انجام شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد تجربه زیست کودکی و نوجوانی، پارادوکس ارزش‌های فردی، ویژگی‌های شخصیتی، تجربه زندگی مشترک، سبک زندگی مصرفی/ فراغتی، هنجارهای تجویز شده ازدواج، نیاز به کسب تجربه عشق و دستاوردهای نوین زنان، به‌مثابه شرایط علی، تعهد را به امری سیال برساخته می‌نماید. سیالیت امر تعهد زناشویی در بستریهایی چون تعارضات معرفتی، تسلط‌گفتمان رضایت جنسی در روابط زوجین، رفاه نسبی جامعه و در شرایط مداخله‌گری رسانه‌ها و ارتباطات بین فرهنگی، تعاملات زنان را به دو گونه برمی‌تابد: گروهی از زنان با ارزیابی مثبت از موقعیت ازدواج خود و با استفاده از آموزش صحیح و تقویت مهارت‌های زندگی موجب می‌شوند تا ازدواج بادوام تعهد محور به موقعیتی بهنجار تبدیل گردد، اما در مقابل گروهی دیگر با ارزیابی منفی از ازدواج خویش و جدایی پنهان از همسر با پیامدهای منفی چون عهدشکنی، گسترش روابط چندگانه عاطفی و جنسی، طلاق و عدم سلامت روحی مواجه می‌شوند. آگاهی و جهت‌گیری صحیح نسبت به پیامدها می‌تواند میزان آسیب‌های ناشی از تغییرات شناختی از تعهد زناشویی را به حداقل برساند.

■ واژگان کلیدی:

تعهد زناشویی، برساخت‌گرایی اجتماعی، نظریه‌مبنایی

زنان و برساخت اجتماعی تعهد زناشویی

مورد مطالعه: شهر اصفهان

مرجان زرندی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه آزاد دهقان
m.zarandi7039@gmail.com

سیدعلی هاشمیان‌فر

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان
seyedalihashemianfar@yahoo.com

مسعود کیانپور

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان
masoudkianpour@gmail.com

بیان مسئله

خانواده گسترده‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است به طوری که می‌توان گفت در تجربه زیسته و زندگی روزمره انسان‌ها، نقشی اساسی دارد. خانواده یک واقعیت وجودی است، نهادی ساخت‌یافته، نظام‌مند و حاوی کهن الگوها که در طول تاریخ هزاران ساله خود از قطعیت و نفوذ همه‌جانبه بر انسان برخوردار شده است. خانواده نظامی حقوقی، فرهنگی، اجتماعی و آیینی محسوب می‌گردد و همواره در بردارنده مجموعه وسیعی از قوانین و مقررات حقوقی با ضمانت اجرایی خاص خود و هنجارها و ارزش‌های حاکم بر روابط بین اعضای آن است، تا جایی که بنا به عقیده اشتراوس^۱ باثبات‌ترین نهادی که می‌توان توسط آن ساختار حاکم بر جامعه را مورد بررسی قرار داد، خانواده است (فاضلی، ۱۳۹۵). اگرچه در طول تاریخ و همگام با تغییرات عمده اقتصادی، اجتماعی، سیاسی جوامع، تغییراتی هرچند آرام و بطئی در خانواده دیده می‌شود اما دنیای مدرن معاصر، تحولات و دگرگونی‌های متعدد و پرسرعتی را در ارزش‌ها و نگرش‌ها و باورهای مردم پیرامون ازدواج و نهاد خانواده به وجود آورده است. به طوری که شاید هیچ‌کدام از تحولات دنیای امروز، به سرعت و اهمیت اتفاقاتی که در زندگی شخصی، ازدواج و خانواده در حال روی دادن است، نباشد. آنچه موضوع خانواده را مسئله‌مند^۲ می‌نماید تغییراتی است که در حیطه تداوم ازدواج و تعهدات زوجین صورت گرفته است. تعهد در ازدواج به‌عنوان یک مورد خاص از تعهد است که شامل پیچیدگی‌های فردی، اجتماعی و حقوقی بوده و در انواع روابط دیگر یافت نمی‌شود. (آدامز و جونز^۳، ۱۹۹۷ و ناک، ۱۹۹۵) بنا به نظر آماتو^۴ (۱۹۹۸)، در مرحله ازدواج و تشکیل خانواده یکی از مهم‌ترین وظایف ارتباطی زوجین تعهد است که در ایجاد ثبات و موفقیت در یک ازدواج نقش اساسی دارد (آماتو، ۲۰۰۸) لیکن در حالی که تعداد بسیاری از افراد ازدواج می‌کنند و در حفظ ازدواج خود و روابط متعهدانه خود کوشا هستند، اما افزایش میزان طلاق^۵، کاهش نرخ ازدواج^۶، گسترش تعداد

1. Strauss

2. Problemize

3. Adams & Jones

4. Amoto

۵. آمار طلاق که معتبرترین شاخص آشفستگی زناشویی است (هالفورد، ۱۳۸۴) نشان می‌دهد در نه ماهه سال ۱۳۹۵، نسبت ازدواج به طلاق ۳/۹ می‌باشد؛ به طوری که در مقابل هر ۳/۹ ازدواج، یک طلاق اتفاق می‌افتد. در حالی که در سال ۱۳۹۰ این نسبت ۶/۱ اعلام شده است که نشان‌دهنده افزایش نرخ طلاق و کاهش ازدواج در سال‌های اخیر می‌باشد. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

۶. آمار وقایع جمعیتی، کاهش میزان ازدواج را در خانواده‌های ایرانی بیان می‌کند، در سال ۱۳۹۰

خانواده‌های تک‌والد^۱ (محزونی، ۱۳۹۵)، افزایش تعداد فرزندان بدون سرپرست و رها شده، شیوع روابط فرازناشویی مردان و زنان متأهل (معیدفر، ۱۳۹۴؛ منصور، ۱۳۹۲ و عشقی، ۱۳۹۵)، شیوع خشونت‌های خانوادگی (کلهر، ۱۳۹۵)، افزایش تعداد زنان خودسرپرست^۲، تمایل به داشتن فرزند بدون ازدواج کردن و پریشانی زناشویی (صفی‌پوریان و دیگران، ۱۳۹۵) که اغلب به‌عنوان شاخص کاهش تعهد به ازدواج و خانواده تفسیر شده است، سبب شده موضوع خانواده و تغییرات آن به یکی از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی تبدیل شود. در اینجا پرسشی اساسی مطرح می‌شود؛ این تغییر گواه چیست و چه دلایلی موجب این وقایع مهم اجتماعی می‌شود؟ چرا میل به تداوم ازدواج و طول عمر آن کاهش یافته و مهم‌تر از آن به چه دلیل یا دلایلی با وجود کاهش طول عمر زندگی زناشویی، ازدواج، تشکیل خانواده و حفظ آن هنوز دغدغه بسیاری از افراد می‌باشد؟ گذاشتن این واقعیت‌ها در کنار واقعیت‌های دیگری همچون ازدواج سفید^۳ و افزایش تعداد زیست مجردی در بین جوانان همه و همه، بیانگر به‌وجود آمدن یک تغییر یا تحول جدی در نظم خانواده ایرانی و روابط متعهدانه انسان امروز ایرانی هستند به‌طوری که تحقیقات نشان می‌دهد امروزه یکی از مشکلات زوجین، فقدان وجود تعهدی است که می‌تواند ضامن پابندی طرفین به نظام خانواده و تحکیم بنیان‌های خانواده گردد. شواهد فراوانی گویای آن هستند که زوجها در جامعه امروزی، برای حفظ روابط صمیمانه و دوستانه، با مشکلات فراوانی مواجه‌اند. (یگانه‌مهر، ۱۳۹۱ و عباسی، ۱۳۹۱)

در میان تغییراتی که این روزها در جریان است، اهمیت هیچ‌کدام به اندازه اتفاقاتی نیست که در زندگی شخصی، در روابط جنسی، حیات عاطفی، ازدواج و خانواده در حال وقوع است. (گیدنز، ۱۳۸۹: ۱) در خصوص اینکه ما چگونه درباره خود فکر می‌کنیم

تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده در کشور ۸۷۴۷۹۲ می‌باشد در حالی که در سال ۱۳۹۵ این تعداد به ۵۳۵۶۷۰ ازدواج در سال رسیده است که رشدی منفی را مشخص می‌نماید. (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)

۱. پس از طلاق، جدایی یا مرگ یکی از والدین، پدر یا مادر مسئولیت تربیت و پرورش فرزندان را به‌عهده می‌گیرد و سرپرستی آنها را می‌پذیرد. به‌چنین خانواده‌هایی که در آنها تنها پدر یا مادر وظیفه مراقبت از فرزندان را عهده دارند، در اصطلاح خانواده تک‌والد گفته می‌شود.
۲. فوت همسر و طلاق؛ دو دلیل عمده افزایش زنان سرپرست خانوار است؛ به‌گونه‌ای که ۷۱/۴ درصد از زنان سرپرست خانوار همسر خود را بر اثر فوت از دست داده‌اند، ۱۷/۶ درصد بدسرپرست هستند، حدود ۱۰ درصد از این خانوارها بر اثر طلاق زن - سرپرست خانوار شده‌اند و ۵ درصد نیز هرگز ازدواج نکرده‌اند.
۳. پیوندی غیرقانونی و غیررسمی محسوب می‌شود به‌طوری‌که دو طرف، هیچ تعهدی برای کنار هم ماندن را نداشته و تمایلی برای پذیرفتن مسئولیت ازدواج ندارند.

و چگونه با دیگران پیوند و رابطه برقرار می‌کنیم، انقلابی در جریان است. این انقلاب است که در مناطق و فرهنگ‌های مختلف با سرعت‌های مختلف و با مقاومت‌های بسیار در حال پیشرفت است. (گیدنز، ۱۳۹۲: ۸۷) براساس دیدگاه برجس^۱، در روابط انسان مدرن امروزی نوعی بلا تکلیفی وجود دارد به طوری که باعث می‌شود وعده تعهد، در بلندمدت، پوچ و بی‌معنی محسوب شود. از نظر باومن (۲۰۰۵) جامعه فردگرایانه سیال مدرن، تعهدات بلندمدت را به امری کمیاب، التزام بلندمدت را به توقعی نادر و وظیفه مساعدت متقابل را به قولی غیرواقعی بینانه و بی‌ارزش بدل کرده است. در زندگی سیال مدرن هیچ‌گونه پیوند دائمی و پایداری وجود ندارد و هرگونه رابطه‌ای که ما برای مدتی آن را ادامه می‌دهیم باید بسیار سست باشد و تا حد امکان و به سادگی با تغییر شرایط این رابطه قابل فسخ باشد. از سوی دیگر استونز (۱۳۸۹: ۱۴۸) عقیده دارد که تغییرات اجتماعی در تاروپود زندگی مدرن تنیده شده است که نمایانگر فعال بودن جامعه است. در این مقطع انسان‌ها باید ذهنیت خویش را تغییر دهند تا با جهان جدید تناسب پیدا کند و بدین ترتیب از همه خواسته می‌شود که دست به شروع این تغییرات بزنند. در چنین شرایطی خانواده ایرانی هم با چالش‌ها و تغییرات بسیاری به خصوص در روابط زوجین روبرو است. مسئله اساسی، پایداری روابط زناشویی و تعهد زوجین در زندگی مشترک است. می‌توان گفت جهت‌گیری پیرامون تعهد زناشویی فرایندی در حال انجام است که در سراسر دوره زندگی و با توجه به شرایط افراد و گروه‌های اجتماعی خاص متفاوت می‌باشد. بنابراین از آنجایی که ثبات و تعهد هم بر مبنای احساس و عاطفه و هم بر مبنای قصد و نیت است، فهم آن مستلزم نگاه به درون فرد در فرآیند معناسازی است. رویکردی که در این مطالعه از منظر آن به ثبات و تعهد زناشویی نگریسته می‌شود، رویکرد برساخت‌گرایی است. براساس دیدگاه برساخت‌گرایی، زوجین در فرآیند ازدواج و زندگی مشترک، طبق پنداشتی که از تعهد در این رابطه دارند و تفسیری که در هر موقعیت از آن به عمل می‌آورند، حفظ و بقا یا از هم گسیختگی ازدواج را می‌سازند. زنان به‌عنوان یکی از دو نیمه اصلی در پیوند زناشویی نقشی فعال و پویا در ادامه زندگی مشترک یا ختم آن دارند. با توجه به تغییرات اساسی در جایگاه زنان در جامعه و خانواده و با توجه به مراتب فوق، تحقیق حاضر سعی دارد به این سؤالات پاسخ دهد چگونه می‌توان تعهد زناشویی از منظر زنان شهر اصفهان را توصیف و تبیین کرد؟ عوامل مؤثر بر تعهد یا

عدم تعهد زناشویی، زنان شهر اصفهان چیست؟ تحقیق حاضر در محدوده شهر اصفهان به‌عنوان دومین کلان شهر ایران که در روند نوسازی و جهانی‌شدن، تغییراتی اساسی در نهاد ازدواج و خانواده را تجربه نموده است، انجام گرفته است.

پیشینه تحقیق

نتایج تحقیق سفیری و ذاکری (۱۳۹۳) نشان می‌دهد بین تعهد و اعتماد پیوند عمیقی وجود دارد، به‌طوری‌که یکی از راه‌های ایجاد و حفظ اعتماد، تعهد و وفاداری همسران می‌باشد. چنانچه زن و شوهر رابطه‌ای متعهدانه، صادقانه و بر مبنای صمیمیت داشته باشند، اعتماد شگرفی میان طرفین ایجاد می‌شود.

پژوهش محمدی و همکاران (۱۳۹۳) وجود رابطه مثبت و معنادار میان دینداری و تعهد زناشویی را در میان کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی نشان می‌دهد. پژوهش فتحی و همکاران (۱۳۹۱) حاکی از آن است که بین تعهد شخصی فرد نسبت به ازدواج و رضایتمندی زناشویی رابطه وجود دارد. فرد دارای تعهد شخصی بر اساس تمایل شخصی متعهد است، به این دلیل که به شریک رابطه‌اش، خود رابطه‌اش و یا هویت زوجی دلبسته است. این نوع تعهد به‌وسیله درک مواهب مثبت در همسر برانگیخته می‌گردد و تمایل به در تماس بودن را افزایش می‌دهد.

نتایج تحقیق شاه‌سیاه و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که بین تعهد زناشویی و رضایت جنسی رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین رضایت جنسی و تحصیلات نیز رابطه معنی‌دار دیده شده است. به‌طوری‌که هر چه تحصیلات بالاتر باشد، رضایت جنسی در زوجین بیشتر خواهد بود.

نتایج تحقیق عباسی مولید (۱۳۹۰) نشان می‌دهد که اعتقاد و التزام زوجین به باورها و ارزش‌های خاص ایرانی - اسلامی در حوزه خانواده و ازدواج می‌تواند نقش مهمی در حفظ و تداوم میزان پابندی و وفاداری آنان نسبت به همسر و ازدواج‌شان ایفا نماید. همچنین باور به ارزش‌ها موجب کاهش احتمال بروز آسیب‌های خانوادگی و اجتماعی شایع در جامعه امروز از جمله خیانت (عهدشکنی) و طلاق می‌شود.

نتایج تحقیق چونگ^۱ (۲۰۱۴) نشان داد که فرایندهای دوگانه پشتیبانی و کنترل از فرایندهای دینداری است و دین می‌تواند به‌عنوان ابزاری اصلی برای حفظ و ثبات خانواده

در جامعه کره‌ای مهاجر محسوب شود. دین به‌عنوان وسیله‌ای برای انتقال معنا، احساس تعلق و راحتی و ایجاد هویت قومی عمل می‌کند و نهایتاً میزان حضور بیشتر زوجین در مراسم دینی در کلیسا می‌تواند تعهد زناشویی را افزایش دهد.

یافته‌های تحقیق ویگل^۱ و همکاران (۲۰۱۱) حاکی از آن است که تعهد در رابطه زناشویی به‌صورت طبیعی به‌وجود می‌آید به‌طوری که بروز رفتارهای متعهدانه از جانب یکی از طرفین رابطه (نظیر اظهارات محبت‌آمیز و تلاش برای زندگی) و دریافت‌های طرف دیگر، به‌صورت وابسته تعهد را به‌وجود می‌آورد.

نتایج تحقیق والینو^۲ (۲۰۱۱) نشان می‌دهد زندگی زناشویی مانند یک شرکت اقتصادی دارای اهداف خاصی است و برای دستیابی به این اهداف، نیازمند تفاهم و برنامه‌ریزی است. زوجین خانواده را مانند تیمی دانسته که اعضای آن دارای روابط متقابل با یکدیگر بوده و بر مبنای سرمایه مشترک اقداماتی انجام می‌دهند. در این رابطه زن نقش سازماندهی و مدیریت منابع مالی را بر عهده دارد، درحالی که شوهر بیشتر نقش تأمین‌کننده منابع و حسابرس را بازی می‌کند و حتی این اختیار را دارد که اگر صلاح بداند مسئولیت سازمان‌دهی یا مدیریت اقتصادی را از همسرش سلب نماید و خود عهده‌دار تمام وظایف باشد.

کلین^۳ (۲۰۱۱) در تحقیق خود نشان داد نگرش‌های حاصل از مشاهده رفتارهای عهدشکنانه در محیط زندگی در سنین پایین بر رفتارها و نگرش‌های فرد در قبل و بعد از ازدواج تأثیر می‌گذارد. هرچه افراد به ازدواج نگرشی لیبرال‌تر داشته باشند، تعهد کمتری به زندگی زناشویی دارند و نگرش مثبتی نسبت به روابط خارج از ازدواج خواهند داشت. نتایج تحقیق برد^۴ (۲۰۰۹) مشخص می‌کند افزایش منابع هویت‌ساز برای زنان و مردان آمریکایی، معنای ازدواج را تغییر داده است، تغییر در نیازهای آموزشی، تحصیلات و اشتغال موجب شده تا حساسیت به پایداری ازدواج کاهش یابد. افزایش انتظارات برای روابط رضایت‌بخش براساس برابری زن و مرد در کنار اهمیت یافتن عشق، موانعی را برای تعهد در ازدواج به‌وجود می‌آورد.

لیگوم^۵ (۲۰۰۹) گزارش کرده است که باورها و اعمال مذهبی به زوجین کمک می‌کند

1. Weigel
2. Valynv
3. Clean
4. Byrd
5. Iyigun

تا خدا را به‌عنوان شریک‌شان در ازدواج خویش کامل کنند، همچنین به ازدواج به‌عنوان یک نهاد مذهبی که دوام دارد، باور داشته و در تعهد نسبت به ازدواج معنا پیدا کنند. چنانچه ملاحظه می‌شود در تحقیقات مطرح‌شده متغیرهایی نظیر دینداری، نگرش مذهبی، نگرش به ازدواج و رضایتمندی از زندگی زناشویی از عوامل مؤثر بر تعهد زناشویی ذکر شده است. درحالی‌که براساس رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی باید آن‌دسته از شیوه‌های درک جهان از جمله درک خودمان را که بدیهی تلقی می‌نمائیم، به دیده انتقاد بنگریم و بپذیریم که انسان در جهان مدرن به‌عنوان کنشگری فعال با توجه به تجربه زیسته خود در حال برساختن و بازتولید جهان پیرامون خویش است و این نگاه، محقق را بر آن می‌دارد تا با بررسی دیدگاه‌ها و تجارب زیسته زوجین به درک تعهد زناشویی از منظر کنشگران اجتماعی نائل آید.

۱۳۳

چارچوب مفهومی

در تحقیق حاضر که به‌روش کیفی انجام گردیده است، به‌جای استفاده از مبانی نظری جهت تدوین و آزمون فرضیات، از چارچوب مفهومی جهت استخراج سؤالات تحقیق استفاده شده است. در این موقعیت، نظریه‌ها در فرایند تحقیق و تحلیل داده‌ها برای ایجاد حساسیت نظری - مفهومی و باز کردن ذهن محقق نسبت به مسائل و مقوله‌های مورد پژوهش، نقشی الهام‌بخش و مکمل‌گونه دارند. بنابراین دیدگاه‌های نظری که با تعهد زناشویی و روابط زوجین و تغییرات آن قرابت بیشتری داشته و در ذیل چارچوب مفهومی قرار گرفته‌اند، عبارت‌اند از: نظریه میدانی لوین، مدل سرمایه‌گذاری، دیدگاه‌های زیگمونت باومن و گیدنز درباره رابطه ناب و عشق سیال، رویکرد برگر و لاکمن و فوکو در ساخت اجتماعی واقعیت.

نظریه میدانی کورت لوین^۱ (۱۹۴۲) به درک فرایندی که در آن فرد متعهد به همسر بوده یا به خود اجازه عهدشکنی در ازدواج می‌دهد، کمک می‌کند برای فهم این نظریه ابتدا باید این اصل را که رفتار تابعی از فرد و محیط است درک شود؛ این موضوع حائز اهمیت است، زیرا در این روش عمل و رفتار بر مبنای شخصیت، تجارب، بافت و زمینه هر موقعیتی صورت می‌گیرد. عقاید و مفاهیم نظریه لوین به ما در درک بهتر اینکه چگونه افراد تصمیم به حفظ تعهد زناشویی می‌گیرند کمک می‌کند. با استفاده از نظریه

1. Kort Lewin

میدانی می‌توانیم جاذبه‌ها و دافعه‌های خاص و همچنین عواملی را که افراد را به حفظ یا ترک رابطه ترغیب می‌کنند، شناسایی کنیم. او به فضای زندگی^۱ اشاره می‌نماید که شامل تعامل همه فاکتورهای شخصی و محیطی است. رفتار فرد تابعی از فضای زندگی اوست. در فضای زندگی، اهداف و مقاصد می‌تواند ظرفیت^۲ جاذبه یا دافعه داشته باشد. لوپین دو جنبه و حالتی را که پایدار باقی می‌مانند، اما کاملاً از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر متفاوت‌اند، بیان می‌کند:

۱. ایدئولوژی‌ها، نگرش‌ها و ارزش‌هایی که شناخته می‌شوند و به‌وسیله فرهنگ تأثیرگذار فرد، مورد تأیید قرار می‌گیرند؛ ۲. روشی که در فعالیت‌های متفاوت، وابسته یا مستقل از فرهنگ در نظر گرفته می‌شود.

نگرش‌هایی مثل ماندن اجباری در یک رابطه یا برقراری روابط خارج از ازدواج و پیگیری اهداف فردی، نمونه‌ای از ارزش‌هایی هستند که زیرگروه‌های زیادی را به هم متصل می‌کند. هر چند برخی فعالیت‌ها ممکن است به دلیل وابسته بودن به مسائل خرده‌فرهنگی متفاوت شرح داده شوند. (جینفر^۳، ۲۰۰۹)

مدل سرمایه‌گذاری (رسبالت و بانک^۴، ۱۹۹۳) بر فرایند تعهد زناشویی به اندازه شرایط زوال رابطه تمرکز دارد. تعهد، میزان وسوسه شدن برای عهدشکنی را کاهش می‌دهد و منابعی برای قادر ساختن افراد برای تغییر تمرکزشان از پیامدهای لذت‌خواهی کوتاه‌مدت به لذت‌خواهی بلندمدت را فراهم می‌کند. این مدل، افزایش رضایت در روابط رمانتیک و رفتارهای ماندن/ ترک کردن همسران را تبیین می‌کند و بر مبنای آن، تغییر در سطوح احساس مسئولیت، تصمیم برای ماندن یا ترک یک رابطه را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

تبیین‌های مدرنیته سیال باومن و رابطه ناب‌گیدنز به ویژگی‌های مدرنیته متأخر پرداخته‌اند. از نظر زیگموند باومن (۱۳۹۴: ۸۲) در عصر حاضر زنان و مردان به‌شدت محتاج به ایجاد رابطه‌اند، در عین حال از آن هراس دارند که این ارتباط برای همیشه باقی بماند و این ارتباط همیشگی آنها را مجبور به تحمل فشارهایی کند که آزادی آنها را سلب نماید. فرد تنهای دنیای امروز به دنبال پرکردن این خلأ در پی رابطه‌ای است که احساس امنیت و آزادی را توأمان داشته باشد. رابطه‌ای که در آن نیاز فرد برآورده شود.

1. Life Space

2. Valence

3. Jeanfreau

4. Resboalt & Buunk

اما تعهدی جدی به پایدار ماندن این رابطه و پاسخگویی به انتظارات طرف مقابل وجود نداشته باشد. البته پایدار ماندن یک رابطه در دو جانبه بودن آن است. اما آنچه انسان مدرن را از رابطه هراسان می‌کند، تعهدی است که بهای آن آزادی او باشد. تعهد به‌ویژه از نوع بلندمدت، دامی است که افراد باید از آن دوری کنند. او عقیده دارد در زندگی سیال مدرن هیچ‌گونه پیوند دائمی و پایداری وجود ندارد و هرگونه رابطه‌ای که ما برای مدتی آن را ادامه می‌دهیم، باید بسیار سست باشد که تا حد امکان و به‌سادگی بتوان آن را با تغییر شرایط فسخ نمود. (باومن، ۲۰۰۵) به این ترتیب است که او در کنار نیاز به دیگری برای پرکردن حس تنهایی، خواهان آزادی نامحدود خود نیز هست. چنین چیزی البته به سختی ممکن است چرا که لازمه این آزادی خروج از رابطه در هر لحظه است که خود ناامنی و هراس مدام از تنها شدن دوباره را به همراه دارد. لذا روابط کوتاه‌مدت به‌جای یک رابطه طولانی‌مدت اهمیت بسیاری در زندگی مدرن یافته‌اند. در واقع مبنای نظری او در مورد منعطف بودن انسان مدرن است.

گیدنز در زمینه تحول معنا و گستره صمیمیت و ارتباط آن با روابط افراد در خانواده نشان می‌دهد که برخلاف تصورات عمومی، علاقه و رضایت جزء لاینفک زندگی زناشویی نبوده و در بستر تحولات عام‌تر جهانی شکل گرفته‌اند. به اعتقاد گیدنز تغییراتی که در خانواده صورت گرفته و خواهد گرفت همگام با فرایند دموکراسی حرکت نموده و جریان رایج خانوادگی را به دموکراسی احساسات^۱ تغییر داده است. جنبش‌های برابری خواهانه در قلمرو صمیمیت در دهه‌های اخیر نوع دیگری از رابطه را رقم زد. در متأخرترین شکل صورت‌بندی عشق که گیدنز از آن به عشق سیال^۲ تعبیر می‌کند، تعهد سخت‌گیرانه و ضرورت پایداری در عشق رمانتیک به زیر سؤال می‌رود. این نوع عشق به دنبال تحقق برابری فرصت زن و مرد برای دسترسی به فرصت‌های اجتماعی و در نتیجه عاطفی است. این نوع رابطه ویژگی‌های کاملاً متمایزی از روابط عاطفی پیشین دارد. زیرا برابری فرصت‌ها و اهمیت برابر طرفین رابطه، ویژگی‌هایی چون پویایی، اعتماد و تعادل قدرت را به ارمغان می‌آورند. (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۳۶) گیدنز از رابطه ناب سخن می‌گوید. رابطه ناب^۳ رابطه‌ای است که در دنیای امروز از مقبولیت و رواج به‌خصوصی برخوردار شده است. در این نوع رابطه که کیفیت رابطه و رضایت از آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار

1. Democracy of Emotions

2. Confluent Love

3. Pure Relationship

است؛ تأثیر تعهدات بیرونی بر بقای رابطه به حداقل می‌رسد. رابطه ناب منجر به نوعی رضایت فردی و درونی می‌شود که کاملاً از نفس رابطه برخاسته است و به هیچ عاملی بیرون از خود وابسته نیست و وجود این رضایت، شرط بقاء و ماندگاری رابطه است. رابطه ناب قبل از هر چیز در قلمرو ازدواج و رفاقت‌ها و دوستی‌های بسیار نزدیک به وجود می‌آید. «بر این اساس ازدواج دیگر همانند گذشته بر الزام‌های بیرونی و پیش‌ساخته استوار نیست. ازدواج بیش از پیش به صورت ارتباطی در آمده است که دلیل پیدایش و ادامه آن احساس رضایت عاطفی خاصی است که از همزیستی و ارتباط نزدیک با همسر مطلوب حاصل می‌شود» (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۹). می‌توان گفت مهم‌ترین ویژگی رابطه ناب، وجود رابطه به‌خاطر نفس رابطه است. در این ارتباط احساس تعهد به طرف دیگر رابطه و به خود فرایند ارتباط از اهمیت زیادی برخوردار است. با وجود این هر یک از طرفین رابطه می‌تواند و باید استقلال شخصی خود را حفظ کرده و به ارزش‌ها و باورهای فردی‌شان اعتماد داشته باشد. تعهد در رابطه علاوه بر ارتباطی که با کشش‌های روانی و عاطفی دارد باید آگاهانه و محصولی از تلاش دو نفره باشد. گیدنز ادعان می‌دارد که در ارتباط‌هایی که به‌خاطر نفس ارتباط برقرار می‌شوند هر اشتباهی که طرفین ماجرا مرتکب می‌شوند، بنیان رابطه به خطر می‌افتد. (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۲)

مطالعه نظریه‌ها حاکی از آن است که در دنیای امروز روابط میان فردی بیش از پیش تحت تأثیر تحولاتی قرار گرفته است که فرد و به‌طور کلی انسان مدرن دچار آن شده‌اند. رویکرد غالب در تحقیق حاضر برساخت‌گرایی اجتماعی می‌باشد که عنوان مشخص نظریه برگر و لاکمن است. هسته مرکزی بحث آنان این است که دریابند بنیان‌های زندگی روزمره بر چه اصولی استوار است، چرا که عقیده دارند در میان واقعیت‌های کثیر جامعه، تنها یکی است که جلوه می‌کند و آن زندگی روزمره است. (برگر و لاکمن، ۱۳۹۵: ۳۶) آنها جامعه را برساختی فرهنگی یا نمادین می‌دانند؛ جامعه سیستم یا سازوکار و یا ارگانسیم نیست بلکه برساخته‌ای نمادین یا محصولی سنجیده و متشکل از آرا، معانی و زبان است. (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۱۲) در واقع برگر و لاکمن معتقدند که در جوامع متکثر معاصر، مشروعیت‌بخشی‌های بی‌وقفه در معرض منازعه قرار دارند، به‌خصوص در حوزه زندگی خصوصی. اگر چه زمانی مشروعیت‌بخشی‌ها گزاره‌هایی درباره واقعیت اجتماعی به حساب می‌آمدند که باید به همان صورت پذیرفته می‌شدند، امروزه ما آنها را به‌مثابه تفسیرهایی در معرض منازعات و کشمکش‌های اجتماعی می‌بینیم. (برگر و لاکمن، ۱۳۹۵:

۷۳) از سوی دیگر فوکو به این امر اشاره می‌کند تا پایان قرن ۱۸ قوانین حاکم بر رفتار جنسی عبارت بودند از: شریعت، آئین کشیشی و قانون مدنی. حوزه‌ای که این سه بر آن تمرکز داشتند، حوزه زناشویی بود. وظیفه زناشویی، توانایی انجام آن، خشونت همراه با آن و در واقع این وظیفه اساساً با توصیه‌هایی اشباع شده بود و روابط بین زن و شوهرها بر بود از قواعد، مقررات و توصیه‌های از پیش تعیین شده. رابطه زناشویی اصلی‌ترین کانون الزام‌آور بود. اساساً در مورد آن صحبت می‌شد، باید بیش از هر رابطه دیگری با جزئیات بیان می‌شد و دائماً تحت مراقبت بود چنانچه عیب و نقصی داشت باید خود را در برابر شاهی اثبات می‌کرد. نقض قوانین ازدواج یا جستجوی لذت‌های غیرعادی در هر حال محکوم بود. (فوکو، ۱۳۸۴: ۴۹) فوکو مدعی است که آدمیان به‌زعم خود، خود را از سلطه الگوهای جنسی و اخلاقی قدرت قدیم آزاد می‌سازند، اما غافل‌اند از آنکه در دام الگوهای قدرت تازه افتاده‌اند. از این منظر ارزش‌ها و حقایق اخلاقی، برساخت‌های بشری می‌باشند نه چیزهای قابل کشف در عالم پیرامون. ارزش‌ها و حقایق اخلاقی وجود دارند البته وجود آنها وابسته به نگرش‌ها و توافقات و قراردادهای بشری و نظایر آن است. ارزش‌ها، اصول ثابتی ندارد، تغییرات آن تابع مقتضیات زمان است و این، خود انسان است که این اصول را قرارداد می‌کند. بر این اساس روابط انسان‌ها، براساس اصول عام تعریف نمی‌گردد به طوری که ما نمی‌توانیم به دنبال بنیان‌های ثابت و قطعی برای معرفت باشیم. (زمانی، ۱۳۸۸)

۱۳۷

روش تحقیق

تحقیق حاضر بنا بر ماهیت موضوع مورد مطالعه در سنت مطالعات کیفی و به روش نظریه زمینه‌ای^۱ براساس دیدگاه اشتراوس و کربین^۲ انجام پذیرفته است. شیوه گردآوری داده‌ها مصاحبه عمیق از نوع نیمه ساخت یافته و مصاحبه گروهی می‌باشد. نمونه مورد مطالعه از، ۳۸ نفر از زنان متأهل از شهروندان اصفهان که تجربه رابطه خارج زناشویی داشته یا به هیچ عنوان این نوع از رابطه را تجربه نکرده‌اند و افراد مطلقه که در رده سنی ۶۰-۳۰ سال قرار گرفته، تشکیل می‌شود که طیف‌های متنوع تحصیلی و شغلی را در بر می‌گیرد. شرط ورود به نمونه این بود که از مدت ازدواج آنها حداقل ۱۰ سال گذشته

1. Grounded Theory Method
2. Corbin

باشد. مصاحبه‌ها در بازه زمانی مردادماه تا دی‌ماه سال ۱۳۹۵ انجام شده است. هر یک از مصاحبه‌ها ۶۰-۹۰ دقیقه به طول انجامید. نمونه‌گیری براساس منطق نظری یا مفهومی و همچنین نمونه‌گیری هدفمند بود. بر این اساس زبانی که اطلاعات آنها کلیدی^۱ محسوب می‌شود، مورد مطالعه قرار گرفته تا اشباع نظری^۲ فرا رسد و همین اشباع نظری مرحله پایانی نمونه‌گیری بوده است. منظور از مطلعین کلیدی افرادی می‌باشند که به‌نوعی با مسئله تحقیق درگیر بوده و اطلاعات و تجارب آنها محقق را به هدف تحقیق رهنمون می‌سازد. در مراحل شروع مصاحبه‌ها سعی شد تا به‌روش گلوله برفی^۳ اطلاعات پایه‌ای افرادی که به‌عنوان منابع اصلی اطلاعاتی تحقیق بوده‌اند، مانند کسانی که روابط خارج از ازدواج را تجربه نموده‌اند، شناسایی و در مراحل بعدی بر روی آنها تمرکز شود. برای کدگذاری مصاحبه‌ها از کدگذاری باز، محوری و هسته‌ای استفاده شده است. ابتدا با بررسی داده‌ها و طبقه‌بندی متنی با رهیافت مقایسه، اشباع مفاهیم حاصل شد و در فرآیند بازنامایی مفاهیم، کدگذاری و تقلیل داده‌ها انجام گرفت. در نهایت در مراحل پایانی تجزیه و تحلیل اطلاعات، با در نظر داشتن مقوله‌ها، استراتژی‌ها، شرایط مداخله‌کننده و پیامدها، این استراتژی‌ها در قالب یک مدل نظری ترسیم گشت. جهت سهولت در کدگذاری و طبقه‌بندی داده‌ها از نرم‌افزار تحلیل کیفی NVIVO11 استفاده شده است. آنچه به‌عنوان یافته‌های تحقیق در مدل پارادایمی ترسیم شده، نوعی جریان پویا و متحول از رویدادها و ماهیت پیچیده روابط برای توضیح پدیده‌ها است. (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۲: ۱۵۰) همچنین برای بررسی قابلیت اعتماد از روش‌های کنترل یا اعتباریابی توسط اعضا و مقایسه‌های تحلیلی (سیلور من^۴، ۲۰۰۵) استفاده شده است.

جدول ۱: مشخصات مشارکت‌کنندگان در تحقیق

| کد | نام | سن | شغل | تحصیلات | وضعیت تاهل |
|----|------|----|------------------|------------|------------|
| ۱ | زهرا | ۵۱ | راننده | دیپلم | متاهل |
| ۲ | مهری | ۵۱ | مشاور روان‌شناسی | فوق لیسانس | متاهل |
| ۳ | ساره | ۴۲ | خانه‌دار | لیسانس | متاهل |

1. Key Informants
2. Theoretical Saturation
3. Snow Balling
4. Silverman

| کد | نام | سن | شغل | تحصیلات | وضعیت تاهل |
|----|--------|----|----------|---------------------|------------|
| ۴ | فریبا | ۴۸ | آرایشگر | دیپلم | مطلقه |
| ۵ | ساغر | ۳۲ | خانه‌دار | لیسانس | متاهل |
| ۶ | نفسیه | ۳۹ | پرستار | لیسانس | مطلقه |
| ۷ | آروین | ۳۵ | کارمند | دکتری | متاهل |
| ۸ | نوشین | ۳۸ | کارمند | لیسانس | مطلقه |
| ۹ | مرجان | ۵۳ | خانه‌دار | سوم راهنمایی | متاهل |
| ۱۰ | محبوبه | ۳۰ | فروشنده | لیسانس | متاهل |
| ۱۱ | اعظم | ۵۰ | مشاور | فوق لیسانس | متاهل |
| ۱۲ | ف. | ۳۸ | کارمند | لیسانس | متاهل |
| ۱۳ | دریا | ۴۰ | آرایشگر | لیسانس | مطلقه |
| ۱۴ | منصوره | ۵۸ | مدرس | دکتری | متاهل |
| ۱۵ | زهرا | ۳۸ | خانه‌دار | زیردیپلم | متاهل |
| ۱۶ | مریم | ۳۹ | مدرس | فوق لیسانس | متاهل |
| ۱۷ | سارا | ۳۱ | کارمند | لیسانس | متاهل |
| ۱۸ | مرجان | ۴۶ | فروشنده | لیسانس | متاهل |
| ۱۹ | کتایون | ۳۳ | خانه‌دار | فوق لیسانس | متاهل |
| ۲۰ | مهتاب | ۴۲ | مدرس | فوق لیسانس | مطلقه |
| ۲۲ | فاطمه | ۴۷ | آزاد | لیسانس | متاهل |
| ۲۳ | عاطفه | ۳۳ | آزاد | دیپلم | مطلقه |
| ۲۴ | مرضیه | ۳۵ | خانه‌دار | لیسانس | متاهل |
| ۲۵ | بیبا | ۴۲ | کارمند | دکتری | متاهل |
| ۲۶ | فیروزه | ۴۸ | خانه‌دار | زیردیپلم | متاهل |
| ۲۷ | مهناز | ۳۵ | خانه‌دار | زیردیپلم | متاهل |
| ۲۸ | الهام | ۴۲ | کارمند | فوق لیسانس | متاهل |
| ۲۹ | مریم | ۵۲ | خانه‌دار | سواد خواندن و نوشتن | متاهل |
| ۳۰ | نجمه | ۳۴ | آزاد | لیسانس | مطلقه |
| ۳۱ | مهری | ۳۳ | آزاد | دیپلم | متاهل |
| ۳۲ | ک. | ۴۶ | خانه‌دار | دیپلم | متاهل |

| کد | نام | سن | شغل | تحصیلات | وضعیت تاهل |
|----|------|----|----------|------------|------------|
| ۳۳ | بتول | ۴۴ | خانه‌دار | لیسانس | متاهل |
| ۳۴ | زهرا | ۵۷ | خانه‌دار | زیردیپلم | متاهل |
| ۳۵ | اقدس | ۴۱ | مدرس | فوق لیسانس | متاهل |
| ۳۶ | ه | ۳۹ | خانه‌دار | لیسانس | متاهل |
| ۳۷ | لیلا | ۳۸ | کارمند | لیسانس | متاهل |
| ۳۸ | مهین | ۵۲ | خانه‌دار | زیردیپلم | متاهل |

یافته‌های تحقیق

۱. ادراک پاسخگویان از مفهوم تعهد زناشویی

براساس مصاحبه‌های صورت گرفته با زنان متأهل و مطلقه در ارتباط با نگرش آنان به تعهد زناشویی و معانی که در متن و جریان طبیعی زندگی می‌توان به تعهد زناشویی الصاق کرد، چهار الگوی برساخته شده تعهد زناشویی قابل شناسایی است. در هر کدام از این الگوها، معنای غالب و هدایت‌گر تعهد زناشویی متفاوت بوده و طی فرایند خاصی توسعه یافته و باز تولید می‌گردد. هر چند تفکیک مدل‌ها به معنای آن نیست که شیوه نگرش و برداشت فرد در کلیت روند زندگی، الزاماً براساس یک الگوی معنابخش از تعهد زناشویی باشد. ذکر این نکته ضروری است که براساس مطالعات انجام شده این مفهوم به شدت نسبی بوده و از سیالیت برخوردار است. حاصل تحلیل نظرات پاسخگویان در این مورد کشف ۴۷ مفهوم، ۱۸ مقوله سطح دوم و ۴ مقوله محوری به شرح زیر است:

الف. تعهد امری الهی و ارزشی

از دید این گروه از مشارکت‌کنندگان، تعهد زناشویی امری ارزشی و الهی است، به طوری که در تمامی دوران و از بدو وجود انسان بر روی کره زمین در بین همسران وجود داشته است. این موضوع اصل زیربنایی ازدواج محسوب شده و عامل دوام خانواده تا به امروز بوده است. گذشت، فداکاری، مقدس بودن ازدواج، توکل به خدا، توجه به انسانیت در زندگی مشترک، قناعت در زندگی، ایثار و از خودگذشتگی، عمل به دستورات الهی درباره وظایف زن نسبت به مرد و حقوق مرد، احترام واقعی به همسر، ترجیح همسر خود به سایرین، وفاداری عمیق و فکری و جنسی به همسر، دروغ نگفتن، عدم پنهان کاری، زندگی با همسر تا لحظه مرگ، اطاعت از همسر و...

از مفاهیم و مقولات سطح دوم این مقوله محوری است، در این مقوله خیانت امری ناپسند، غیرانسانی، مذموم محسوب شده که مورد عقوبت الهی قرار می‌گیرد. نظرات تعدادی از مصاحبه‌شونده‌ها به شرح زیر است:

«...تعهد زناشویی یعنی دوست داشتن واقعی همسر تا آخر عمر...» (کد ۲)

«... به‌نظر من تعهد میزان پایبندی و وفاداری در شرایط بحرانی و عادی زندگی مشترک است. تعهد یک عمل ارزشی و اخلاقی و دستور اکید خداوند برای زوجین است که باید از پدر و مادر و دستورات دینی یاد بگیریم...» (کد ۳)

ب. تعهد امری قراردادی و مشروط

از دیگر مقولات استخراج‌شده در بحث تعهد زناشویی توجه به قراردادی بودن تعهد است. به‌طوری‌که تعهد زناشویی را امری حقوقی در نظر گرفته که در صورت سرباز زدن یکی از طرفین از انجام عهد، شخص مقابل حق دارد قرارداد را برهم زند. این نوع قرارداد شامل مرور زمان شده و براساس شرایط زمان و مکان می‌تواند تغییر کند. مقوله حاضر حاصل ترکیب مقولات و مفاهیمی چون: اتفاق نظر بر روی قول و قرارها، عمل به قرارهای گذاشته شده، چهارچوب‌های تعیین‌شده توسط همسران، عمل به مسئولیت‌هایی که در ذیل قرارداد آمده است، پایبندی به ایفای نقش و جایگاه توافق شده همسران، تاب‌آوری در حد قول و قرار، انتخاب از روی عقل، توافقات غیررسمی خارج از عقدنامه، تابع قاعده اگر... آنگاه... می‌باشد. بر این مبنا خیانت زوجین به یکدیگر نیز امری مشروط و قراردادی محسوب شده به‌طوری‌که چنانچه در این زمینه قراردادی رسمی یا غیررسمی گذاشته شده و حدودی برای آن در نظر گرفته شده باشد، طرفین می‌توانند عمل خارج شدن از محدوده قرارداد را خیانت محسوب نمایند.

«تعهد زناشویی یعنی هر کس وظیفه‌ای را که بر عهده داره، درست انجام بده، وظیفه مرد حمایت از زن است و زن هم وظایف خودش را داره. هر کس وظایفش را به‌طور صحیح و کامل انجام نده تعهد زندگی مشترک رو زیر پا گذاشته» (کد ۲۲)

«تعهد زناشویی یعنی برای قرارهایی که گذاشته‌ایم پایبند بمانیم تا در کنار هم زندگی خوبی داشته باشیم...» (کد ۴)

«... به‌نظر من تعهد زناشویی یعنی عمل به قرارهای مشخص شده در چهارچوبی که زوجین تعیین می‌کنند، می‌تواند نانوشته باشه یا در حضور و کیلی یا فرد معتمد امضا شود...» (کد ۵)

ج. تعهد؛ امری اجتماعی و نسبی

از دیگر مقولات استخراج شده در بحث تعهد زناشویی، اجتماعی و نسبی بودن مفهوم است. به طوری که مشارکت کنندگان اعتقاد دارند که در جوامع مختلف تعاریف متفاوتی از تعهد وجود دارد، حتی در خانواده‌ها و فرهنگ‌های مختلف، در زمان‌های متفاوت تعهد می‌تواند براساس نوع جامعه معانی و برداشت‌های خاصی داشته باشد. مقولاتی چون: برآوردن نیازهای عاطفی، پایبندی زن و سلطه‌گری مرد به طوری که تحمل خشونت از جانب زن چه جسمی و چه روحی و روانی نشان‌دهنده تعهد زن به زندگی بوده در حالی که این امر قدرت‌طلبی و سلطه‌گری مردان بر زن متعهد را سبب می‌شود. از سوی دیگر برخی از مشارکت کنندگان، تعهد را مانعی برای استقلال زن و مرد دانسته‌اند که موجب می‌شود زوجین در راستای تعهد زناشویی نتوانند استقلال فردی خود را حفظ کرده و دائماً در تلاش برای دیگری باشند. از این دیدگاه، تعهد امری وابستگی‌آور برای زوجین و بریدن از علائق فردی تلقی می‌شود. از سوی دیگر برخی مفاهیم حاکی از آن است که تعهد می‌تواند شامل رها کردن طرف مقابل در صورت نیاز و تأمین‌کننده سلامت روان طرف مقابل باشد. درک متقابل، اعتماد متقابل، انجام نقش‌های تعریف‌شده، دل‌بستگی روحی و جسمی به همسر و عشق واقعی از دیگر مقولات محسوب می‌شوند...

۱۴۲

عده‌ای از شرکت کنندگان تعهد را برآوردن نیازهای عاطفی و جنسی زن و شوهر تعریف کرده‌اند که در فرهنگ‌ها و اقوام مختلف این نیازها نیز متفاوت است:

«به‌نظر من تعهد یعنی برآوردن نیازهای جنسی زن و مرد و بر همین اساس هم ازدواج صورت می‌گیرد. فکر کنم در تمام فرهنگ‌ها همین‌طور باشه و انتظار دیگه‌ای از زن و مرد نباشه. هر چند بر طبق فرهنگ هر منطقه این نیازها فرق می‌کنه و تعریف‌های گسترده یا محدودتری داره...» (کد ۲۴)

«تعهد برای زنان یعنی تحمل خشونت‌هایی که به‌خاطر تفکر مردسالارانه و مذهبی به زن وارد می‌شود. من فکر می‌کنم تعهد پایبندی میاره و استقلال زن و مرد را محدود می‌کنه...» (کد ۱)

«بعضی وقتا تعهد یعنی رها کردن اون کسی که دوستش داری. من به همسرم بسیار علاقمند بودم، اما وقتی دیدم همسرم تمایلات دیگری داره که من نمی‌توانم آنها را برآورده کنم، ترجیح دادم از زندگی او بیرون بیام و رهاش کنم. هیچ‌وقت فکر نمی‌کنم اشتباه کرده باشم...» (کد ۶)

«به نظر من تعهد یعنی اعتماد داشتن به طرف مقابلت. یعنی اینکه تو چقدر طرف مقابلت را قبول داری و بهش اعتماد داری؟ آیا میشه به کسی تعهد داد که بهش اعتماد نداشته باشی؟ از طرف دیگه تعهد داشتن یعنی فهمیدن همدیگه، اینکه چقدر حاضری همسرت را بفهمی و بپذیری که او همانی هست که می‌بینی...» (کد ۱۰)

د) تعهد؛ امری فردی و متکثر

از دیگر مقولات استخراج شده در بحث تعهد، فردی و متکثر بودن مفهوم است. به طوری که افراد اعتقاد دارند هر کسی می‌تواند براساس نگاه به زندگی، معرفت و جهان بینی خود، تعریف و برداشت خاص خود را نسبت به تعهد زناشویی داشته باشد. مقولاتی چون: باورهای فرد، ارزش های زندگی زن یا شوهر و...

«... هر کسی تعریف خودش را درباره تعهد داره، براساس نگاهش به زندگی...» (کد ۷).

«بعضی وقت‌ها با خودم فکر می‌کنم اصلاً چرا در زندگی باید به پای کسی ماند و سوخت؟ زندگی چقدر ارزش داره که تمام عمر و سال‌هایی را که می‌تونه برات مفید باشه برای کسی بگذاری که ارزش نداره! زندگی و عمر و جوانی خیلی زود می‌گذره و باید حواسمون به گذشت آن باشه، چرا که اگر زندگی را ببازیم دیگه راهی برای برگشت وجود نداره. از کجا معلوم پاداشی بگیریم؟...» (کد ۳۵).

«اصل زندگی برای من کسب تجارب از راه‌های صحیح و سالمه. حالا اگر بشه این تجارب را با عهد بستن و در کنار کسی که او هم همراه با من باشه به دست آورد، تعهد دادن به نظرم کاری پسندیده است، اما اگر فردی که با من همراه است اصلاً دلش با من نیست، پس تعهد دادن در این زمان کاری پسندیده محسوب نمی‌شه و سلامت رابطه را به خطر می‌ندازه» (کد ۱۳).

۲. ادراک و تعریف پاسخگویان از روابط زوجین: واکاوای مفاهیم در این مقوله محقق را به ۳۰ مفهوم و ۱۰ مقوله و ۳ مقوله محوری رهنمون کرد:

الف. اولویت رابطه عاطفی: رابطه زن و شوهر فقط جنسی نیست، رابطه عاطفی و روحی، رابطه مستقیم و تنگاتنگ، حس مشترک، تعلق کامل به یکدیگر، تکیه‌گاه بودن مرد، حس عشق و دوست داشتن فراوان، درک شرایط بحرانی توسط مرد و...

«روابط زوجین منحصر به رابطه جنسی نیست، بلکه اول باید رابطه عاطفی خوبی بین زن و شوهر برقرار شود...» (کد ۸).

ب. اولویت رابطه جنسی: ازدواج برای رابطه جنسی مجاز، زندگی بدون رابطه جنسی

هرگز، رابطه جنسی آنگاه رابطه عاطفی مناسب، رابطه جنسی عامل تداوم زندگی مشترک و... گفتنی است که برداشت اکثریت زنان پاسخگو از روابط زوجین براساس روابط جنسی می‌باشد.

«واقعیت اینه که آدم از دواج می‌کنه تا نیازهای جنسیش را سر و سامان بده...» (کد ۹)
 ج. روابط تجویز شده: مقولاتی چون؛ حضور زن در کنار همسر، کنترل زندگی توسط زن، مدیریت خانواده با زن، همراهی با خانواده‌های یکدیگر، رابطه جنسی در حد نیاز، نان‌آور بودن مرد و... این نوع روابط براساس تعریف جامعه و هنجارهای اجتماعی مشخص می‌شود. «... به‌نظرم رابطه زوجین تمام تکلیف‌هایی را که بر عهده‌شان هست شامل می‌شه، از مدیریت خانواده گرفته تا رابطه جنسی. تمام اینها روابط زوجین را تشکیل می‌ده...» (کد ۱۲)

د. روابط مبتنی بر تأمین رضایت از زندگی: از نظر پاسخگویان هر گونه رابطه‌ای که احساس رضایت بیشتری را در پی داشته باشد چه از نظر مادی چه از نظر معنوی در این مقوله جای می‌گیرد. روابط هیجان‌برانگیز، روابطی که لذت زندگی را زیاد کنه، روابط مبتنی بر تعاملات جنسی، روابط شاد و لذت‌بخش. روابطی که احساس خوشبختی به فرد بدهد... «روابط زوجین خیلی بیشتر از روابط دونفره است، شاید تمام خانواده را شامل میشه که باید آدم را شاد و سرزنده نگه داره... منظورم روابطی است که آدم در همان لحظه احساس خوشبختی زیاد بکنه» (کد ۱۰)

جدول ۲: وضعیت تقلیل و مقوله‌بندی اطلاعات

| ردیف | مقولات سطح دوم | مقولات محوری | مقوله گزینشی | نوع مقوله |
|------|--|----------------------------|--------------------|-----------|
| ۱ | سبک‌های پرورشی و شیوه‌های رفتاری والدین، مورد آزار قرار گرفتن در دوران کودکی و نوجوانی، فضای حاکم بر خانواده مبدأ، سلامت یا انحطاط اخلاقی والدین، الگوهای رفتاری دوران کودکی و نوجوانی، گروه دوستان | تجربه زیست کودکی و نوجوانی | تهجد زنده‌نوی امری | شرایط علی |
| ۲ | خودآئینی، دگرآئینی، عدم تحمل و تاب‌آوری، تحمل و مدارا، هویت زنانه، هویت مردانه، فردگرایی منفی، فردگرایی مثبت، سعادت فردی، سعادت خانواده، ایثار و گذشت، توقع و انتظار، انتخاب کردن، انتخاب شدن، مدیریت سرنوشت، تقدیرگرایی | پارادوکس ارزش‌های فردی | موقت و سیال | شرایط علی |

| ردیف | مقولات سطح دوم | مقولات محوری | مقوله گزینشی | نوع مقوله |
|------|--|--|-----------------|--------------------|
| ۴ | اقتدار همسر، قدرت درک و حمایت عاطفی همسر، تجربه خشونت خانگی، تعهد یا عهدشکنی همسر، دغدغه کسب درآمد | تجربه زندگی مشترک | | شرایط علی |
| ۵ | توجه و میل به مصرف، افزایش اوقات فراغت، مدیریت بدن، حفظ حریم خصوصی، کاهش تعداد فرزندان، تکنولوژی خانگی، گستره دوستان | سبک زندگی مصرفی/ فراغتی | | شرایط علی |
| ۶ | ازدواج به سبک ایرانی، کم‌سواد جنسی، طلاق به‌مثابه شکست فردی، تقسیم کار جنسیتی، دانش محدود مهارت‌های زندگی | هنجارهای تجویز شده ازدواج | | شرایط علی |
| ۷ | روایت زنان از تجربه عشق، احساس ناکامی، احساس عقب‌ماندگی در کسب عشق، شکست فانتزی | نیاز به کسب تجربه عشق | | شرایط علی |
| ۸ | قوانین طلاق، عدم حمایت قانونی از زنان مطلقه، تأهل و امتیاز اجتماعی، فرودستی زن در کسب درآمد | قواعد ساختاری | | شرایط علی |
| ۹ | حرکت‌های مساوات‌طلبی زنان، رشد اجتماعی زنان، دستیابی حداقلی به منابع اقتصادی و ارتباطی | دستاوردهای نوین زنان | | شرایط علی |
| ۱۰ | سفرهای خارجی، آشنایی با ارزش‌های خانوادگی، آداب و رسوم و سبک زندگی سایر اقوام و ملیت‌ها | ارتباطات بین‌فرهنگی | | شرایط مداخله‌گر |
| ۱۱ | افزایش اطلاعات جنسی، عدم تربیت جنسی، دانش کاذب جنسی | بار اضافی اطلاعات جنسی | | شرایط مداخله‌گر |
| ۱۲ | استفاده از تلفن همراه، عضویت در شبکه‌های مجازی، تماشای ماهواره و فیلم | نقش تسهیل‌گر رسانه‌ها مدرن ارتباطی و تصویری | | شرایط مداخله‌گر |
| ۱۳ | محیط کار و تحصیل، ارتباط با همکار، استاد و همکلاسی | شرایط محیطی | | شرایط مداخله‌گر |
| ۱۴ | کاهش گرایش‌های مذهبی، تعبیر شخصی از دین، نقد تفکر مذهبی، رواج هنجارهای ممنوع در سطح جامعه | تعارضات معرفتی و معنایابی | | شرایط زمینه‌ای |
| ۱۵ | اهمیت رضایت جنسی در رابطه، اهمیت رابطه جنسی در زندگی | تسلط‌گفتمان رضایت جنسی در روابط زوجین | | شرایط زمینه‌ای |
| ۱۶ | برخورداری از رفاه نسبی، تسهیل در تحصیلات، اهمیت رضایت از زندگی، شاد بودن در زندگی | رفاه نسبی جامعه و رضایت از زندگی | | شرایط زمینه‌ای |
| ۱۷ | شهرنشینی، کاهش نظارت غیررسمی در شهر، ناشناس ماندن، کاهش سرمایه اجتماعی هنجاری، نبود امکانات جهت گذراندن اوقات فراغت همسران، تفکیک جنسیتی، برچسب انحرافی در روابط دوستانه | شهری شدن ناموزون | | شرایط زمینه‌ای |

زنده‌گویی‌های جنسی و سبک زندگی

۳. عوامل مؤثر بر درک و تعریف پاسخگویان از تعهد زناشویی

در این بخش با تأکید بر اجزا و محتوای مدل فرایندی تعهد زناشویی زنان، به بررسی شرایط علی برساخت تعهد زناشویی و نحوه تعاملات و پیامدهای مرتبط با آن می‌پردازیم. ۱. شرایط علی: یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بخشی از شرایط در پاسخ به چرایی است. در این راستا، ۸ مقوله محوری به‌دست آمد که عبارت‌اند از:

۱.۱. تجربه زیست کودکی و نوجوانی: در یک دسته‌بندی از مفاهیم در میان مصاحبه‌های انجام‌شده، تجربه دوران کودکی توسط مشارکت‌کنندگان به کرات بیان شده است. مقولات سطح دومی که محقق را به این مقوله محوری رهنمون شده است عبارت‌اند از: سبک‌های پرورشی و شیوه‌های رفتاری والدین، سلامت یا انحطاط اخلاقی والدین، الگوهای رفتاری دوران کودکی و نوجوانی و گروه دوستان ...

تعدادی از زنان متأهلی که تجربه روابط خارج از ازدواج داشته‌اند، اذعان کرده‌اند که در دوران کودکی و نوجوانی توسط یکی از نزدیکان مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند و این امر در روند زندگی مشترک آنها اختلال ایجاد کرده است:

«من از دوران بلوغ به بعد مورد آزار جنسی... قرار گرفتم. می‌دونید خیلی حس بدیه که کسی که تکیه‌گاه دختر محسوب میشه، به او نظر بد داشته باشه. البته من فکر نمی‌کردم این نگاه و رفتار بده، بلکه فکر می‌کردم تمام افرادی که این نسبت را دارند باید این‌طور رفتار کنند! اما بعدها که متوجه شدم بی‌نهایت ازش بدم آمد...» (کد ۹)

تعدادی از زنان سهم تربیت صحیح والدین خود را در تعهد به همسرشان بسیار زیاد می‌دانند. برخی از آنان گروه دوستان دوران کودکی را که از دختران و پسران تشکیل شده بود، در رشد تعهد خود به زندگی مشترک سهیم می‌دانند. به طوری که بنا به نظر (کد ۱۰) «من در محیطی زندگی می‌کردم که دوستانم فقط دختر نبودند از بچگی با پسرها و روحیات‌شون آشنا بودم چون همبازی‌های زیادی از پسرها داشتم و این خیلی بهم کمک کرد...»

عده‌ای از مشارکت‌کنندگان در تحقیق به نقش فضای حاکم بر خانواده مبدأ در ایجاد تعهد زناشویی و عشق ورزیدن به همسر اشاره می‌کنند: «... دوران کودکی من در محیطی بزرگ شدم که پدر و مادرم عاشقانه همدیگر را دوست داشتند و فرزندان‌شون را سرمایه‌های واقعی زندگی خود می‌دونستند...» (کد ۱۳).

۱.۲. پارادوکس ارزش‌های فردی: این مقوله محوری بعد از دسته‌بندی مقولات سطح دومی مانند مقولات زیر، خود را نمایان کرد: خودآئینی/ دگرآئینی: توی خونه هر چی من بگم باید اجرا بشه، من دوست دارم مدل خاصی زندگی کنم که شوهرم باید بپذیره، ... من برای رشد پسر همه کاری می‌کنم و انتظار دارم او هم تمام کارهایی که ازش می‌خوام را به‌درستی انجام بده...» (کد ۵)

عدم تحمل و تاب‌آوری/ تحمل و مدارا: سازش کردن و مدارا کردن با همسر و ناملایمت‌های او از مقولاتی است که زنان طرح کرده‌اند: «...من با سختی‌ها جنگیدم. چون دوست داشتم زندگی کنم. هر روز خودم را قوی‌تر می‌کردم برای ادامه راه. خیلی سخت بود اما تحمل کردم. امروز جوان‌ها اصلاً تحمل و تاب‌آوری ما را ندارند در حالی که انسان کامل باید تحمل کنه باید خودش را بسازه» (کد ۲).

فردگرایی منفی/ فردگرایی مثبت: چنانچه فردگرایی را در مقابل جمع‌گرایی تفکری بدانیم که در آن جامعه بر محور اصلی فرد و نه جامعه می‌چرخد و بر اهمیت فرد و استقلال و آزادی او در مقابل محیط جمعی تأکید دارد، عده‌ای از زنان مورد مطالعه از این حالت به نفع خانواده استفاده کرده‌اند: «درس خوندم تا کمکی به بچه‌ها کنم و همین‌طور خودم هم از نظر اجتماعی جایگاهی داشته باشم.» (کد ۱۴) و عده‌ای برای مقابله با همسر و سایر اعضای خانواده: «اصلاً برای من اهمیتی نداره دیگران چی فکر می‌کنند و چی کار می‌کنند، اطرافیان من چه برداشتی از زن و زندگی دارند. برای من مهم نیست حتی توقعات شوهرم هم خیلی برام مهم نیست. شاید توقعات زیادی داشته باشه، اصل زندگی راحتی و آسایش خودم هست...» (کد ۱۸).

سعادت فردی/ سعادت خانواده، ایثار و گذشت/ توقع و انتظار، حق انتخاب کردن/ انتخاب شدن، مدیریت سرنوشت/ تقدیرگرایی: برخی از زنان تأکید بر محوریت خود و خواسته‌های خود در زندگی داشته در حالی که از سوی دیگر خواسته‌های فرزند و یا پدر و مادر را بر خود ترجیح می‌دهند که دچار تعارض و دوگانگی ارزشی گردیده‌اند. از سوی دیگر برخی از زنان خود را تسلیم سرنوشت کرده در حالی که برخی دیگر در ضمن تأکید بر مدیریت سرنوشت خود، به نوعی خود را قربانی تقدیر خود می‌دانند: «...من خیلی عاقلانه در زندگی تصمیم می‌گیرم. کلاً در هر کاری می‌دونم چی می‌خواهم و چه چیزی باید انجام بشه. اما در ازدواج این اتفاق نیفتاد و تصمیم نادرستی گرفتم. یعنی به این ایمان آوردم که سرنوشت آدم‌ها تعیین شده است...» (کد ۲۸).

۱.۳. تجربه زندگی مشترک: از دیگر مقولات محوری که از دیدگاه زنان در شکل‌گیری تعهد زناشویی آنها نقش داشته تجربه زندگی مشترک با همسر فعلی یا قبلی آنها است. اقتدار همسر، قدرت درک و حمایت عاطفی همسر، از جمله مقولات برگرفته از مفاهیم مطرح شده می‌باشد «شوهرم یک‌طور ابهت خاصی داره که باعث میشه آدم بهش احترام بگذاره و براش همه کاری بکنه. این را من نمی‌گم تمام کسانی که باهاش ارتباط دارند به این خصوصیتش اشاره می‌کنند، خیلی قدرتمند و بانفوذ. درک خیلی بالایی داره و احساسات من را خیلی دقیق می‌فهمه...» (کد ۱۱)

ذیل این مقوله محوری، مقولات زیر نیز قرار می‌گیرد:

تجربه خشونت خانگی: «...شوهرم با اینکه عاشق من بود اما نمی‌دونم چرا دست کتک زدن داشت. بعضی اوقات به قدری کتک می‌خوردم که چند بار بینی‌ام شکست. جالبه که بعد هم پشیمان می‌شد...» (کد ۸)

تعهد یا عهدشکنی همسر: «...از ابتدای نامزدی شوهرم با خانم‌های دیگه رابطه داشت. بعد از گذشت ۱۷ سال از زندگی مشترک‌مون فهمیده بودم که شوهرم با منشی‌های خودش ارتباط داره و این اذیتم می‌کرد، اما نمی‌تونستم ثابت کنم...» (کد ۲۰)

دغدغه کسب درآمد: «وقتی شوهرت بیکار و معتاد باشه و کار هم نداشته باشی و تمام درها به روت بسته باشه، ندونی باید امورات زندگی را چطور بگذرونی، هرکسی که وارد زندگی بشه و تأمینت کنه، خوب می‌تونه درخواست‌هایی هم داشته باشه...» (کد ۳۱)

۱.۴. سبک زندگی مصرفی / فراغتی: این مقوله محوری، از مقولات توجه و میل به مصرف، افزایش اوقات فراغت، مدیریت بدن، حفظ حریم خصوصی، کاهش تعداد فرزندان، تکنولوژی خانگی، گستره دوستان استخراج شده است. پاسخگویان با توجه به اینکه اوقات فراغت‌شان به‌واسطه کاهش تعداد فرزندان و تکنولوژی خانگی افزایش یافته است، رابطه با دوستان و شبکه‌های زنان را گسترش داده‌اند. همچنین کاهش سرمایه اجتماعی هنجاری^۱ که منجر به کاهش نفوذ خانواده‌ها و اقوام و روابط فامیلی در بین زنان شده است، توجه به دوستان را دوچندان می‌نماید. از سوی دیگر، این گروه از زنان به حفظ حریم خصوصی در بین همسران برای ایجاد تعهد زناشویی تأکید داشتند: «هر کسی در زندگی، مرز

۱. برگرفته از کنش هنجاری وبری و بر این مهم تأکید دارد که سنت‌ها و نظام پدسالارانه، هنجارها و الگوهای رفتاری خاصی را برای افراد تعریف نموده که انسان‌ها براساس آن عمل می‌نمودند به‌طوری‌که قواعد رفتار را در اختیار همگان قرار می‌دادند. (قانع‌ی‌راد، ۱۳۹۵)

مشخصی برای خودش داره، که حتی زن یا شوهر هم نباید داخل آن مرز بشند، چون احترام همدیگر را از بین می‌برند و زندگی خراب میشه، شاید با این کار دیگه نتونند به هم اعتماد کنند و این اساس بی‌تعادلی در زندگی است...» (کد ۱۶).

«... وقتی فهمیدم همسرم بچه‌دار نمی‌شه، به جای جدایی دایره دوستانم را افزایش دادم و بیشتر اوقاتم را با آنها می‌گذراندم. هر چند بیشتر دوستانم مطلقه بودند و با همسران‌شون مشکل داشتند اما اوقات من به بهترین وجه گذرانده می‌شد... از طرفی من اعتقاد دارم زن و شوهر باید یک محدوده خصوصی برای خودشون داشته باشند به طوری که دیگری نتونه وارد اون حریم بشه. شاید اگر این حریم برای ما تعریف می‌شد، به مشکل بر نمی‌خوردیم...» (کد ۱۳).

همچنین به کنترل بدن توسط زن امروزی توجه ویژه‌ای داشته و عقیده دارند این عوامل در کنار سایر عوامل می‌تواند در تعهد یا عدم تعهد زناشویی نقش داشته باشد. «... همسرم حساسیت زیادی بر این داره که اضافه وزن نداشته باشم و کلاً تیپ خوب بزنم. از همه لحاظ هزینه برام می‌کنه که ورزش کنم و حتی اگر جراحی زیبایی نیاز داشته باشم انجام بدم. می‌دونم به خاطر علاقه‌ای که به من داره نمی‌خواد لغزشی پیدا کنه...» (کد ۲۲).

«من عاشق این هستم که آرایش کنم، ماساژ برم، لباس‌های شیک بپوشم و لذت ببرم، اما همسر سابقم اصلاً به این چیزها اهمیت نمی‌داد و دائماً برای آرایش کردن و نوع لباس پوشیدنم باهم دعوا و بحث داشتیم. منکر این نیستم که دوست داشتم در نظر دیگران بسیار زیبا و جذاب باشم... البته من هم از نوع پوشش همسرم به هیچ عنوان راضی نبودم، بهش می‌گفتم خیلی بد لباس می‌پوشی...» (کد ۳۰)

۱.۵. هنجارهای تجویز شده ازدواج: شاید بتوان گفت مقوله محوری حاضر از جمله مقولات علی با فراوانی بالا است. ازدواجی که بدون خواست و انتخاب زنان و در سنین پایین صورت گرفته، از مشخصه‌های مهم ازدواج به سبک سنتی است. در این نوع ازدواج مهریه‌های نه چندان پایین و مشکلاتی که در روند مراسم عروسی برای دو گروه فامیلی اتفاق می‌افتد، مشکلات و خصومت‌هایی را بین همسران به وجود می‌آورد. در عین اینکه همسران نسبت به اینکه دلیل ازدواج‌شان چیست یا چرا و به چه هدفی ازدواج کرده‌اند هیچ آگاهی ندارند. تعریفی از زندگی مشترک ندارند و ازدواج را رسم و سنتی می‌دانند که از پیشینیان به ارث رسیده است.

«من به خاطر پدر و مادرم ازدواج کردم. یه دختر به ۱۸ سال که می‌رسه، دیگه باید ازدواج کنه، اگه نه میگن ترشیده، من هدف خاصی نداشتم فقط می‌خواستم ازدواج کنم...» (کد ۱۵).

«پدر و مادرم من را زود شوهر دادند، چون رسم خانواده این بود. یه خواستگار متوسط بهتر از این بود که اصلاً شوهر نمی‌کردم ... هیچ کار خاصی برام نکردند. پدرم همه چیز توی جهیزیه من گذاشت. اما اونا هیچ کاری نکردند و فقط می‌خواستند از من ایراد بگیرند ... خوب هیچ وقت شوهرم را دوست نداشتم...» (کد ۱۸).

کم‌سوادی جنسی، از جمله مقولات بسیار مهم و ارزشمند در تعریف تعهد زناشویی است. می‌توان گفت تمامی زنان مورد مصاحبه نسبت به خود و جنس مخالف دانش و آگاهی صحیحی نداشته‌اند و همچنین شاید بتوان گفت هویت جنسی^۱ آنها (برداشت فرد از تمایل جنسی یا عاطفی خود نسبت به دیگران (باتلر، ۱۳۹۲))، کامل نشده است. آنها اذعان داشته‌اند که آگاهی‌های جنسی‌شان بسیار پایین است و همین موارد باعث شده مشکلاتی در زندگی مشترک‌شان به وجود آید.

«من به عنوان یک زن هیچ اطلاعات درستی از خودم نداشتم به طوری که به جرأت می‌تونم بگم حتی احساسات جنسی خودم را هم درست تشخیص نمی‌دادم و با این وضعیت وارد زندگی مشترک شدم. واقعیت اینه که منبع درستی هم برای تهیه اطلاعات نداشتم. از طرف دیگه فکر می‌کردم اگر چیزی بدونم و بخوام به همسرم بگم کار اشتباهی کردم و شخصیتم زیر سؤال میره...» (کد ۱۶).

«...به ما که مطلب درستی یاد نمی‌دهند در مورد خودمون، شناخت فیزیکی و جنسیت مون چه برسه به اینکه درباره جنس مخالف که همسر مون هست بدونیم... یا دوستان و آشناها چیزی عنوان می‌کنند یا مطالبی را از اینترنت می‌گیریم. خوب کتاب‌های خوبی هم که بشه در موردش یاد گرفت که نداریم...» (کد ۳).

مقوله طلاق به مثابه شکست فردی برای بسیاری از زنان از اهمیت زیادی برخوردار بود. ادعای آنها این بود که اگر طلاق بگیریم فردی شکست‌خورده محسوب می‌شویم، پس زندگی را ادامه می‌دهیم.

در ارتباط با مقوله تقسیم کار جنسیتی، زنان به این نکته اشاره می‌کردند که چگونه هنجارهای جامعه نقش‌های درون خانگی را به زنان و نقش‌های مهم و تأثیرگذار را به

مردان داده‌اند که باعث به‌وجود آمدن مشکلات عدیده‌ای در خانواده می‌شود. همچنین دانش محدود مهارت‌های زندگی در مقولات سطح دوم نشان‌دهنده میزان اطلاعات پایین همسران در این زمینه است و اهمیت آن از تجربیات پاسخگویان استخراج شده است. «... متأسفانه ما زنان یاد نگرفته‌ایم که چگونه با همسرمون همدلی کنیم. همین‌طور چون از خودمون و احساساتمون اطلاعات کمی داریم نمی‌تونیم ارتباط درستی با دیگران به‌خصوص همسرمون ایجاد کنیم. در این صورت یا یک زندگی را تحمل می‌کنیم یا تمام آنچه داریم را به هم می‌زنیم...» (کد ۱۱).

۱.۶. نیاز به کسب تجربه عشق: یکی از مقولات محوری حاصل از مصاحبه‌ها، نیاز به کسب تجربه عشق است. مقولات سطح دومی چون روایت زنان از تجربه عشق، احساس ناکامی، احساس عقب‌ماندگی در کسب عشق، شکست فانتزی^۱ از مهم‌ترین مقولات است. به جرأت می‌توان گفت اکثریت زنان مورد مصاحبه، علاقه بسیاری برای تجربه عشق داشته‌اند و اذعان داشته‌اند که ازدواج بدون عشق را تجربه کرده‌اند که با آنچه در ذهن خود در دوران نوجوانی و قبل از ازدواج داشته‌اند، به‌شدت متفاوت است. برخی از زنان برای کسب این تجربه به روابط عاطفی یا بعضاً جنسی خارج از ازدواج روی آورده‌اند.

«...همیشه دلم می‌خواست عاشق بشم بعد ازدواج کنم که نشد... به دخترم می‌گم دلم می‌خواد برق عشق را در نگاهت ببینم و بعد ازدواج کنی...» (کد ۹).

«من عاشق همسرم نبودم اما برای حفظ زندگی سعی کردم عاشقم باشم و حتماً این بهتره...» (کد ۱۱).

۱.۷. قواعد ساختاری: از جمله شرایط علی مطرح‌شده در بحث تعهد زناشویی از طرف زنان اشاره به قوانین طلاق، عدم حمایت قانونی از زنان مطلقه، تأهل و امتیاز اجتماعی، فرودستی زن در کسب درآمد، می‌باشد. به‌نظر می‌رسد قواعد ساختاری، ادامه زندگی مشترک را ممکن می‌سازد، اما در تعامل با سایر مقولات، احتمال عهدشکنی همسران را بالا می‌برد.

۱. فانتزی پدیده‌ای است که شکافی را در خود یا دیگری بزرگ پنهان می‌کند. در واقع، ماهیت غیرواقعی بودن فانتزی به پرکردن شکافی ناممکن باز می‌گردد و فانتزی تنها این شکاف و زخم را پنهان می‌کند. لاکان عقیده دارد اگر زن و مرد در ساختار زبان در جایگاه متفاوتی قرار دارند، یگانه مفهومی که زن و مرد را به هم پیوند می‌دهد فانتزی عشق است؛ یعنی سوژه‌ها فانتزی‌هایی برای خود می‌سازند که در آن جایگاهی به معشوق می‌دهند؛ جایگاهی که از پیش تعریف شده است و در یک رابطه عاشقانه، عاشق همچون نقاشی عمل می‌کند که در تابلوی فانتزی اش طرحی از معشوق را از پیش کشیده است و معشوق برای وارد شدن به یک رابطه عاشقانه باید این جایگاه را اشغال کند. (مادن، ۱۳۸۲: ۲۴)

«من اصلاً از زندگی‌م راضی نیستم. اما نمی‌تونم جدا بشم. می‌مونم به خاطر اینکه در جامعه ما برای یک زن، تأهل به نوعی امتیاز اجتماعی محسوب میشه. محلی برای زندگی کردن دارم، در محله‌ای خوب، می‌تونم به خاطر خوشنامی همسرم از مزایای او استفاده کنم، ... من اگر الان طلاق بگیرم چیزی عایدم نمی‌شه بلکه حمایت اطرافیان رو هم از دست می‌دهم حتی نگاه دخترم هم به من تغییر می‌کنه...» (کد ۴۶).

«...من به خاطر پدر و مادرم و فرزندم در زندگی مشترک می‌مونم، چون جامعه ما تعریف بدی از زن مطلقه داره و این باعث آزار خانواده و خودم می‌شه. از طرفی برچسب مطلقه بر من شانس ازدواج خواهرام رو هم پایین میاره پس زندگی مشترک را ادامه میدم و امیدوارم ضرر نکنم...» (کد ۲۴).

۱.۸. دستاوردهای نوین زنان: شامل مقولات سطح دومی چون حرکت‌های مساوات‌طلبی زنان، رشد اجتماعی زنان، دستیابی حداقلی به منابع می‌باشد. مقوله حاضر حالتی دوگانه به تعهد می‌بخشید. در صورت ارزیابی مثبت، دستاوردهای نوین در حرکت‌های زنان و همراهی مردان می‌تواند به دوام زندگی زناشویی بینجامد: «جایگاه زنان امروزه تغییر کرده، نسبت به مادران مون جایگاه بهتری در جامعه داریم. هرچند خیلی هم ضعف و کاستی وجود داره، اما به هر حال زن‌ها در جامعه فعلی می‌تونند تحصیلات بالایی داشته باشند، خلاقیت‌هاشون رو شکوفا کنند، مشاغل بالایی به دست بیارند و صاحب فکر و اندیشه باشند. تمامی این موارد می‌تونه به پایداری ازدواج آگاهانه کمک کنه، می‌تونه باعث حل مشکلات و مسائل زندگی بشه...» (کد ۳۵).

در صورت ارزیابی منفی آن موجب تعارض و تضاد بین همسران می‌شود و بی‌ثباتی و عهدشکنی را به همراه دارد: «زن و مرد باید برابر باشند، چرا هنوز هم تمام قوانین و حتی تفکرات ما حق رو به مردان می‌دهند؟ چرا اگر زنی از زندگی لذت نمی‌بره نباید حرفی بزنه؟ زن‌ها در جامعه ما خیلی از لحاظ اجتماعی ترقی کردند. بعضی‌ها از مردان پیشی گرفتند و می‌توانند خودشان روی پای خود بایستند و نیازی به حمایت مرد نداشته باشند...» (کد ۲۳).

۲. شرایط زمینه‌ای^۱: مجموعه خاصی از شرایطی که در یک زمان و مکان خاص جمع می‌آیند و مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل یا تعاملات خود به آنها پاسخ می‌دهند. در تحقیق حاضر پس از کدگذاری محوری مقولات زیر حاصل شد:

۲.۱. تعارضات معرفتی و معنایابی: این مقوله شامل مقولات سطح اولی چون تعبیر شخصی از دین می‌شود: «...من نگاه مذهبی خودم را دارم... من اصلاً آدم مذهبی نیستم. دین من به خودم ربط داره، اما به بعضی از اصول اخلاقی پایبند هستم...» (کد ۱۲).

«تمام مشکلات زندگیم را تحمل کردم به امید روزی که خدا و ائمه بهم پاداش صبرم را بدنند... هر وقت دلتنگ می‌شدم، برای زیارت به امامزاده محل مون می‌رفتم و دعا می‌خوندم.. تونستم صبر کنم و هیچ‌وقت فکر نادرستی به ذهنم خطور نکنه...» (کد ۲۲).
 «اعتقادات مذهبی برای خودمان و تشکر از خدا برای چیزهایی است که به ما داده. اما لذت بردن از زندگی جدا از این اعتقادات است. من به کسی ظلمی نمی‌کنم. حتی به همسرم. ما هر دو به این نتیجه رسیده‌ایم. اگر من حتی به کسی علاقه داشته باشم و رابطه‌ایی حتی دوستی کنم (دارم) به همسرم فشاری وارد نمی‌کنه و ظلم در حقش نیست، پس فکر نمی‌کنم، موردی داشته باشد و خلاف اعتقاداتم باشد. ما همه مشکلات را سر دین می‌اندازیم...» (کد ۴)

۲.۲. رواج هنجارهای ممنوع در سطح جامعه مثل دروغ گفتن، کلاهبرداری، اختلاس، بدعهدی، تفاوت گفتار و عمل مشخص گردیده است: «... توی جامعه تا دروغ نگي کارت حل نمیشه، توی اداره، مغازه، دانشگاه. هر جا سر و کار داری باید دروغ بگی. صداقت مرده... هر روز یک اتفاق بد. هیچ‌کس به دیگری اعتماد نداره. آدمایی که روزی حرفشان برات حجت بود، امروز دروغگو کلاهبردار از آب درمی‌آند، خوب معلومه این‌طور اخلاق به خانواده‌ها هم سرایت می‌کنه... همه به هم خیانت می‌کنند. مرد و زن هم همین‌طور...» (کد ۱۰).
 ۲.۳. سلطه گفتمان رضایت جنسی در روابط زوجین: اهمیت رضایت جنسی در رابطه:

«چون رضایت جنسی مهم‌ترین عامل در دوام یک زندگی است. ادامه یک رابطه مهم و حساس مانند روابط زناشویی نیاز به مراقبت و توجه زیادی دارد و صرفاً با انتخاب درست همسر، خوشبختی تا آخر عمر در قلب ما احساس نخواهد شد...» (کد ۷)
 «من تمام سعیم را می‌کردم که همسرم و خودم از رابطه جنسی مون راضی باشیم.. این کار دوام زندگی را زیاد می‌کنه، البته من فکر می‌کنم... شاید برای مادرها و پدرهای ما رابطه جنسی لذت‌بخش خیلی معنا نمی‌داد اون روزها کسی به این مسائل فکر نمی‌کرد اما الان همه تشنه جنسی هستند و براشون اهمیت داره از رابطه جنسی لذت ببرند. من با تمام دوستانم که صحبت می‌کنم این مسئله مهم‌ترین و اصلی‌ترین قسمت زندگی مشترک‌شون هست و حتی حاضرند به خاطرش به

همسران شون خیانت کنند (کد ۱۹)

«میل جنسی و رابطه جنسی یکی از نعمت‌های خدادادی است که برای ادامه زندگی لازمه و بدون آن زندگی تشکیل نمی‌شود. این رابطه جنسی است که باعث دوام یک زندگی و یا شکست در زندگی می‌شود و خوشبختی و بدبختی زندگی نیز در گرو همین مسئله است.» (کد ۱)

«... بنا به گفته بسیاری از خانواده درمان‌ها، رابطه جنسی یکی از راه‌های کاهش اضطراب، این امر اهمیت خیلی زیادی در ثبات و پایداری زندگی زناشویی دارد...» (کد ۲)

«رابطه جنسی برای من خیلی اهمیت دارد و فکر می‌کنم مهم‌ترین عامل پیوند زندگی باشد. امروزه هم که تأکید همیشه روی رضایت جنسی زن و مرد برای ادامه زندگی. خوب حتماً از نظر علمی تأثیرات خیلی زیادی دارد.» (کد ۶)

۲.۴. رفاه نسبی جامعه و رضایت از زندگی: اهمیت شاد بودن و رضایت از زندگی و برخورداری از رفاه نسبی:

«امروز بیشتر مردم با مشکلات اقتصادی روبرو هستند اما مثل زمان قدیم هم نیست. تقریباً سطح زندگی‌ها بالا رفته و درآمدها هم بهتر شده. اون‌وقته که آدم‌ها به فکر تنوع در روابطشون می‌شدند و حاضرند زندگی مشترک‌شون را به خطر بندازند...» (کد ۳۷)

«...قدیم‌ترها شاید اوایل دوران جوانی ما، سعی می‌کردیم برای تأمین معاش‌مون زندگی کنیم و واقعاً تنوع در زندگی خیلی کم بود. امروزه همه چیز تغییر کرده، دیگه برای معاش زندگی نمی‌کنیم. باید زندگی کنیم که لذت ببریم. از حق نگذریم سطح رفاه مردم بالاتر رفته... حق داریم خوب و به‌طور دلخواه زندگی کنیم و لذت ببریم، حتی از روابط زناشویی... به‌نظرم اگر رضایت کافی در زندگی نبود، به‌راحتی همیشه تغییرات اساسی به‌وجود آورد.» (کد ۳۴)

۲.۵. تسهیل در تحصیلات

«...من خیلی راحت وارد دانشگاه شدم (خوب امروزه درس خواندن خیلی راحت شده). به همسرم گفتم تمایل دارم درس بخونم. خوب کمک کرد. اما بعد از اتمام درس‌م متوجه شدم خیلی از تفاهم‌ها را از دست دادیم و زندگی برای هر دو سخت شده بود... خواسته‌های همدیگر رو درک نمی‌کردیم...» (کد ۱۶)

«تحصیلات نوعی آگاهی به انسان هدیه می‌کنه که باید روش استفاده از آن را بدونیم. من با دو فرزند درس خوندم، فقط برای اینکه راه‌های حل مسئله زندگیم را متوجه بشم. آسان شدن تحصیل کردن می‌تونه راه حل مشکلات را به زوجین نشان بده، بستگی به نوع نگاه آنها داره» (کد ۲)

۲.۶. شهری شدن ناموزون: کاهش نظارت غیررسمی در شهر و ناشناس ماندن، به‌طوری‌که محیط را مساعد می‌سازد تا رفتارهای عهدشکنی و خیانت به همسر از نگاه دیگران پنهان مانده و افراد به‌راحتی و آسان‌تر از گذشته می‌توانند دور از کنترل خانواده خواسته‌های خود را جامه عمل ببوشانند:

«... من وقتی با... قرار می‌گذارم هیچکس متوجه نمی‌شه، این قدر مغازه و مجتمع هست که برای رفتن به آنها دلیل داشته باشم، تا اطرافیانم بهم شک نکنند...» (کد ۹).
 «شهر خیلی وسیع شده. توی این همه‌مه آدم می‌تونه هم کار درست انجام بده و هم اشتباه. کسی نمی‌فهمه. برای من هم پیش اومده که بخوام عمل نادرستی انجام بدم، اما بالاخره به چیزهایی برام ارزشمنده...» (کد ۱۹)

نبود امکانات کافی جهت گذراندن اوقات فراغت همسران:

«اینکه زن و شوهر جایی ندارند که بتونند هیجانانگیز و احساسات خودشون را در خارج از خانه در وقت آزادشون صرف کنند خیلی بده. بعضی وقتا دلم می‌خواست با همسرم برم بیرون با هم شادی کنیم، دست هم را بگیریم، با هم فریاد بزنیم و به هم محبت کنیم، اما محصوریم و این بین‌مون فاصله ایجاد کرده... البته مسائل دیگه هم داشتیم. اما اینکه نمی‌تونستیم در کنار هم در محیط خارج از خانه و در شهرمون که بهش تعلق داشتیم، احساساتمون را یادآوری کنیم زمینه را برای ورود دیگری مهیا کرد...» (کد ۳۷).

۲.۷. تفکیک جنسیتی، برجسب انحرافی در روابط دوستانه

«در جامعه ایران روابط زن و مرد بسیار تنگ و محدود است این امر خود زمینه‌ساز عهدشکنی نیز محسوب می‌شود. باید بپذیریم افراد نیاز به مصاحبت و استفاده از نقطه‌نظر دیگری دارند. گاه این مصاحبت از طریق جنس موافق برآورده می‌شود، اما گاه نیاز به مصاحبت با جنس دیگری است تا بتوان بخشی از دغدغه‌ها را که نمی‌توان با خانواده مطرح کرد و یا حتی گلایه‌ها از همسر را به دیگری به‌خصوص جنس مخالف گفت که الزاماً باید در نقش یک دوست باشد که علاوه بر همدلی

بتواند راهنمایی نیز بکند. اما متأسفانه در جامعه ایران هرگونه مصاحبت و یا هم‌صحبتی بین دو جنس مخالف با برچسب‌زنی همراه است و همین امر پنهانکاری را در خانواده افزایش می‌دهد...» (کد ۲۵)

۳. شرایط مداخله‌گر: این شرایط برخاسته از اوضاع و احوال نامنتظره و اتفاقی هستند که لازم است با عمل / تعامل به آنها پاسخ داده شود. در این تحقیق بار اضافی اطلاعات جنسی، عدم تربیت جنسی، افزایش اطلاعات جنسی و دانش کاذب جنسی به‌عنوان شرایط مداخله‌گر مشخص شده‌اند. اکثر مصاحبه‌شوندگان اذعان داشته‌اند که در مورد جنسیت خود و جنس مخالف و احساسات و هیجانات زن و شوهر اطلاعات درستی نداشته‌اند، در حالی که با دسترسی به منابع مختلف، اطلاعاتی به‌دست آورده‌اند که شاید کاملاً صحیح نبوده و انتظارات نابجایی را در رابطه با همسر به‌وجود آورده است. این مسئله در کنار نقش تسهیل‌گر رسانه‌های مدرن ارتباطی و تصویری، استفاده از تلفن همراه، عضویت در شبکه‌های مجازی، تماشای ماهواره و فیلم می‌تواند تعهد یا عهدشکنی را به‌همراه داشته باشد.

۱۵۶

«این روزها منابع مختلفی برای اطلاعات جنسی وجود دارد و بله من هم استفاده کرده‌ام و تازه متوجه شدم چه نیازهایی داشتم که هیچ‌وقت بهش توجه نکردم» (کد ۱۶).
«من اطلاعاتم را از دوستان و بعضی از نزدیکانم گرفته بودم. از بعضی فیلم‌ها و کانال‌ها مطالبی یاد گرفته بودم، اما به‌نظرم مشکل برام پیش آورد. همیشه احساس می‌کردم بهم تجاوز شده... حالا خیلی از مسائل را فهمیده‌ام، اما به‌خاطر بعضی از رفتارهای نادرستم زندگی‌ام را از دست دادم...» (کد ۲۳).

تعامل: راهبردها و کنش‌های عامدانه‌ای که برای حل مسئله صورت می‌گیرند: در تحقیق حاضر تعاملات یا راهبردها در قالب تعاملات اولیه (ارزیابی مثبت و منفی از موقعیت ازدواج) استراتژی‌های ثانویه‌ای چون افزایش آگاهی صحیح توسط آموزش، تقویت مهارت‌های ارتباطی، جدایی جنسی از همسر، جدایی عاطفی از همسر را به‌همراه دارد.

«با تمام مشکلاتم از زندگی مشترکم و ازدوایم راضی هستم... با استفاده از راه‌های مختلف سعی کردم اطلاعات و آموزش‌های درستی درباره مهارت ارتباط با همسر داشته باشم، تا زندگی سالمی در کنار یکدیگر داشته باشیم... همسر را دوست دارم و برام مهمه...» (کد ۲۲).

«حقم بود زندگی بهتری داشته باشم... هیچ‌وقت از موقعیت شوهرم و زندگی با او

راضی نبودم، اما صبر کردم. الان خسته شدم. از هیچ راهی نتوانستم وضعیت را تغییر بدم. در حال حاضر به این نتیجه رسیدیم که هرکسی راه خودش را بره و دیگه کاری بهم نداریم... از مشاجره خسته شدم... دوست دارم کسی در کم کنه و خوشبختی با او را حس کنم...» (کد ۱).

۱۵۷



شکل ۱: مدل زمینه‌ای برساخت اجتماعی تعهد زناشویی

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که اشتراوس و کوربین تصریح کرده‌اند، فرایند تحلیل داستان‌ها و تجارب زیسته مشارکت‌کنندگان در یک مطالعه کیفی می‌تواند به یک داستان بزرگ‌تر یا خط داستانی منتهی شود و خط داستانی، حاصل مفهوم‌سازی و ارائه شرحی انتزاعی و چکیده‌ای از داستان‌های فردی است. (اشتراوس و کوربین، ۱۳۹۱) با اتخاذ چنین رویکردی، واکاوی مجموعه روایت‌های زنان مشارکت‌کننده در تحقیق از الگوهای چهارگانه برساخت تعهد زناشویی حکایت می‌کند. در این الگوها؛ تعهد امری الهی و ارزشی، قراردادی و مشروط، اجتماعی و نسبی یا امری فردی و متکثر پدیدار گردیده است. در این راستا پدیده تعهد

زناشویی در شرایط علی چون تجربه زیسته کودکی و نوجوانی و پارادوکس ارزش‌های فردی، به‌صورت متفاوتی نمایان می‌گردد، به‌طوری‌که تجارب دوران کودکی و نوجوانی و الگوهای رفتاری متعهد یا عهدشکن در شکل‌گیری تعهد فرد بسیار مؤثر است. از سوی دیگر با نگرشی جامع نسبت به دستاوردهای نوین زنان و تغییر در نقش‌های جنسیتی، به‌تبع آن تعهد زناشویی نیز تغییر می‌نماید به‌طوری‌که در کنار سایر مقولات می‌تواند موجب رابطه‌ای پایدار خودخواسته گردد و یا رابطه پایدار اجباری را قطع نماید. مسلماً دستاوردهای نوین زنان جایگاه متفاوتی را برای آنان احراز نموده و به‌نوعی ارتقای اجتماعی را به ارمغان می‌آورد. تجربه زندگی مشترک، هنجارهای تجویز شده ازدواج به درک و تفسیر زنان به تعهد زناشویی جهت می‌دهد، به‌طوری‌که چنانچه فرد در زندگی مشترک با عهدشکنی از جانب همسر و حامیان عاطفی خود مواجه گردیده باشد، احتمالاً تعهد او در زندگی زناشویی خدشه‌دار می‌گردد. همچنین نیاز به تجربه عشق، قواعد ساختاری پیرامون خانواده و زنان، تعهد را اجباری یا اختیاری و مشروط می‌سازد و در نهایت با عنایت به سبک زندگی مصرفی / فراغتی؛ تعهد زناشویی به امری سیال و متکثر پدیدار می‌گردد. خط تلویحی داستان نشان می‌دهد، سیالیت امر تعهد زناشویی در زمینه‌ای فرهنگی و اجتماعی چون تعارضات معرفتی و معنایی، تسلط گفتمان رضایت جنسی در روابط زوجین، رفاه نسبی جامعه و اهمیت رضایت از زندگی و شهری شدن ناموزون شکل گرفته و با توجه به شرایط مداخله‌ای از قبیل بار اضافی اطلاعات جنسی، تسهیل‌گری رسانه‌های مدرن ارتباطی و تصویری و ارتباطات بین‌فرهنگی، به واکنش‌های زنان برای پاسخ به سیالیت تعهد زناشویی می‌انجامد. واکنش‌های اولیه، به ارزیابی مثبت یا منفی از موقعیت ازدواج بستگی دارد؛ چنانچه فرد ارزیابی مثبت و مناسبی از ازدواج داشته باشد، با اتخاذ استراتژی‌های ثانویه‌ای همچون افزایش آگاهی توسط آموزش صحیح به تقویت مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های زندگی پرداخته تا زندگی مشترک خود را مستحکم نمایند و چنانچه فرد ارزیابی منفی از ازدواج را تجربه کند، با استفاده از استراتژی‌هایی چون جدایی جنسی یا جدایی عاطفی از همسر یا استفاده نادرست از اطلاعات؛ به پیامدهای منفی چون عهدشکنی در ظاهری از ازدواج بادوام یا گسترش روابط جنسی چندگانه (ضربدری) منتهی می‌شود. این گروه از زنان به‌دلیل احساس گناه و جهت کاهش چنین احساسی به مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی روی آورده، پس از مدتی وابستگی به این مواد را تجربه می‌نمایند و به‌واسطه روابط فرازناشویی سلامت روحی و جنسی خویش را به خطر می‌اندازند.

همچنان که باومن (۱۳۹۱) معتقد است انسان امروزی طالب آن است که وارد روابطی شود که از آنها لذت ببرد ولی در عین حال بتواند در زمان بروز مشکلات و سختی‌ها، آن رابطه را ترک کند و این ایده محصول مشترک موقعیت زندگی سیال مدرن و مصرف‌گرایی به‌عنوان تنها راهبرد انتخابی موجود است. به‌اعتقاد گیدنز جنبش‌های برابری خواهانه در قلمرو صمیمیت در دهه‌های اخیر، نوع دیگری از رابطه را رقم زد. در متأخرترین شکل صورت‌بندی عشق که گیدنز از آن به عشق سیال^۱ تعبیر می‌کند، تعهد سخت‌گیرانه و ضرورت پایداری در عشق رمانتیک به زیر سؤال می‌رود. این نوع عشق به‌دنبال تحقق برابری فرصت زن و مرد برای دسترسی به موقعیت‌های اجتماعی و حتی در روابط عاطفی است. این نوع رابطه، ویژگی‌های کاملاً متمایزی از روابط عاطفی پیشین دارد. زیرا برابری فرصت‌ها و اهمیت برابر طرفین رابطه، ویژگی‌هایی چون پویایی، اعتماد و تعادل قدرت را به ارمغان می‌آورند. (گیدنز، ۱۳۹۲: ۱۳۷-۱۳۶) در این میان، زنان بیش از مردان پذیرای این گونه جدید عشق بوده‌اند. زیرا شرایط و خواسته‌های جدید زنان با اصول عشق رمانتیک (شرایطی که همواره زنان را در موقعیتی فرودست در مقایسه با مردان و با مفهوم خانه پیوند زده) در تعارض است. از سوی دیگر و با عنایت به رویکرد برساخت‌گرایی و نتایج تحقیق، روابط انسانی به‌ویژه روابط صمیمی میان همسران در دنیای امروز نه بر توافقات عینی بلکه بر تفاهمات و ادراکات ذهنی استوار است. امروزه روابط صمیمی بیش از پیش از تعهدات بلندمدت فاصله گرفته و بر مبنای مذاکره^۲ و تفاهم شکل می‌گیرد و دوام می‌یابد، به‌طوری‌که کیفیت رابطه در هر لحظه از رابطه توسط طرفین، به مذاکره، مباحثه و مبادله گذاشته می‌شود و زنان به‌خصوص سعی می‌کنند قربانی تعهدات از پیش معین نشوند. در چنین وضعیتی افراد مجبورند که هم بر تزلزل ارزش‌ها و هم بر عدم قطعیت در توجیه اخلاقی و ارزشی فائق آیند، چرا که آنها نمی‌توانند فرض کنند که آنچه به‌عنوان خوب یا درست در نظر می‌گیرند، توسط دیگران نیز خوب یا درست در نظر گرفته می‌شود؟ همچنین افراد در این تشتت آراء همیشه نمی‌دانند چه چیزی خوب و درست است حتی برای خودشان. سیالیت و موقتی بودن امور، بدیهی تلقی شده، موجب عدم اطمینان در درستی یا نادرستی روابط متقابل انسان‌ها به‌خصوص زوجین می‌گردد و می‌تواند دگرگونی‌های عمیق را در نظم خانواده و انقلاب جنسی به‌وجود آورد. می‌توان گفت مشکلات حاصل از این تفکر، به‌خصوص کودکان را دربر گرفته و ناامنی فرهنگی و روانی گسترده‌ای برای نسل آینده به ارمغان خواهد آورد.

1. Confluent Love
2. Negotiation

پیشنهاد‌های برگرفته از یافته‌های تحقیق

- اگرچه داشتن رابطه‌های پایدار زوجین از ضروریات نظم خانواده است، اما شاید بتوان گفت تأکید بر آگاهی و مهارت رابطه‌ای از اهمیت بیشتری برخوردار باشد. بنابراین مناسب است که شیوه‌های رابطه‌جویی، رابطه‌سازی و مدیریت رابطه در چارچوب فرهنگ بومی و مذهبی در رسانه‌های مختلف مورد بحث قرار گیرد تا دختران و پسران جوان با چنین شیوه‌هایی آشنا شده و با آگاهی و مهارت بیشتری وارد رابطه شوند و ادامه دهند.

- از آنجا که برخی از مشکلات ارتباطی همسران به دلیل ناآگاهی و ناتوانی مالی خانواده و عدم مراجعه به مشاورین کارآزموده، مسکوت مانده و رفع نگردیده است، ضروری است سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه حل تعارضات زناشویی با نگاهی غیرمادی، در سطح شهر ایجاد شده و از مشاورین و راهنمایان کارآزموده و قوی در حوزه خانواده بهره گیرند تا مشکلات خانوادگی در بستری مناسب حل گردد.

- برگزاری جشن‌ها و مراسم خانوادگی سنتی ساده در سطح شهر که همسران بتوانند به راحتی و بدون احساس تکلف در آن شرکت کنند تا بستری برای تخلیه هیجانات و ایجاد نشاط اعضای خانواده و جامعه باشد.

- نتایج نشان داد، هدف از ازدواج و نوع نگاه به ازدواج در برساخته شدن تعهد زناشویی نقشی اساسی ایفا می‌نماید، بنابراین آموزش‌های مستمر و مداوم در مدارس و دانشگاه‌ها پیرامون هدف، چرایی و تعریف ازدواج، معیارها از ازدواج موفق به هدف معرفت‌زایی و معنی‌بخشی به این امر مهم کمک شایانی می‌نماید.

- به دلیل باورها و رسوم فرهنگی ایرانیان، مسائل جنسی از ابتدا در خانواده‌ها کتمان شده و والدین و فرزندان را با چالش‌های جدی و عمیقی در زندگی مواجه می‌سازد. بنابراین آموزش تربیت جنسی هدفمند و مضبوط، در سطح کلان و خرد ضرورت دارد. - نتایج نشان داد که تلقی تعهد زناشویی به مثابه امری سیال و تابع تفاهمات و ادراکات ذهنی، بنیان خانواده را سست می‌کند و به پیامدهای نامطلوبی چون عهدشکنی، گسترش روابط عاطفی چندگانه، طلاق و بیماری روحی می‌انجامد. لذا آگاهی جامعه به‌ویژه جوانان از این پیامدها و آسیب‌ها، می‌تواند روابط پایدارتر و خانواده موفق‌تری را به دنبال داشته باشد.

منابع

۱. اشتراوس، انسلم ال و جولیت کرین. (۱۳۹۲). **مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای**. ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
۲. استونز، راب. (۱۳۸۹). **متفکران بزرگ جامعه‌شناسی**. مهرداد میردامادی. تهران: انتشارات نشر مرکز.
۳. باومن، زیگموند. (۱۳۹۱). **اشارات‌های پست مدرنیته**. حسن چاوشیان. تهران: نشر ققنوس.
۴. باومن، زیگموند. (۱۳۹۴). **عشق سیال: در باب ناپایداری پیوندهای انسانی**. عرفان ثابتی. تهران: نشر ققنوس.
۵. برگر، پتر و بریجیت برگر. (۱۳۹۴). **ذهن بی‌خانمان (نوسازی و آگاهی)**. محمد ساوجی. تهران: نشر نی.
۶. محمدی، بهناز؛ کیانوش زهراکار؛ رضا داورنیا و محمد شاکرمی. (۱۳۹۳). بررسی نقش دینداری و ابعاد آن در پیش‌بینی تعهد زناشویی کارکنان سازمان بهزیستی خراسان شمالی. **فصلنامه دین و سلامت**. دوره دوم. شماره ۱.
۷. زمانی، مهدی. (۱۳۸۸). **اعتبارگرایی جان رالز و نظریه ادراکات اعتباری**. **مجله متافیزیک**. سال چهارم و پنجم. شماره ۳ و ۴.
۸. سفیری، خدیجه و مؤمنه میرزامحمدی. (۱۳۹۳). **اعتماد به همسر**. **مجله مطالعات اجتماعی**. شماره ۱۲.
۹. سیدمن، استیون. (۱۳۸۶). **کشاکش آرا در جامعه‌شناسی**. هادی جلیلی. تهران: نشر نی.
۱۰. شاه‌سیاه، مرضیه؛ فاطمه بهرامی و سیامک محبی. (۱۳۸۸). بررسی رابطه رضایت جنسی و تعهد زناشویی زوجین شهرستان شهرضا. **مجله علمی پژوهشی اصول بهداشت روانی**. سال یازدهم. شماره ۳.
۱۱. صفی‌پوریان، شهین و مسعود خاکپور. (۱۳۹۵). تأثیر مشاوره گروهی بر کاهش دلزدگی و پریشانی زناشویی. **فصلنامه آموزش پرستاری**. دوره ۵. شماره ۱.
۱۲. عباسی، خسرو. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و روانی مؤثر بر ناسازگاری زناشویی در شوشتر. **زن و مطالعات خانواده**. سال چهارم. شماره ۱۵.
۱۳. عباسی مولید، حسن. (۱۳۹۰). رابطه تعهد زناشویی با ارزش‌های فرهنگی زوجین: مطالعه موردی استان خراسان جنوبی. **فصلنامه مطالعات انتظامی شرق**. پیش‌شماره ۱.
۱۴. عشقی، روناک. (۱۳۹۵). **عهدشکنی همسران**. تهران: نشر آفتاب.
۱۵. فاضلی، نعمت‌اله. (۱۳۹۵). **سیالیت خانواده**. سخنرانی در پژوهشگاه مطالعات علوم انسانی.
۱۶. فتیحی، الهام؛ احمد اعتمادی و ابوالفضل حاتمی. (۱۳۹۱). رابطه بین سبک‌های دلبستگی، تعهد زناشویی و رضایتمندی زناشویی در دانشجویان متأهل دانشگاه علامه طباطبائی. **فصلنامه زن و مطالعات خانواده**. سال پنجم. شماره ۱۸.

۱۷. فوکو، میشل. (۱۳۸۴). *اراده به دانستن*. افشین جهان‌دیده و نیک سرخوش. تهران: نشر نی.
۱۸. قانع‌راد، محمدامین. (۱۳۹۵). *زوال پدرسالاری؛ فروپاشی خانواده یا ظهور خانواده مدنی*. تهران: نقد فرهنگ.
۱۹. کلهر، محمدخلیل. (۱۳۹۵). *بررسی عوامل مؤثر بر بروز و گسترش پدیده خشونت خانگی علیه زنان در شهر کرمانشاه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی. دانشکده علوم اجتماعی.
۲۰. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۹). *چشم‌اندازهای جهانی*. محمدرضا جلایی‌پور. تهران: انتشارات طرح نو.
۲۱. گیدنز، آنتونی. (۱۳۹۲). *چکیده آثار آنتونی گیدنز*. حسن چاوشیان. چاپ دوم. تهران: نشر ققنوس.
۲۲. مادن، سارپ. (۱۳۸۲). *راهنمایی مقدماتی بر پساساختارگرایی و پسامدرنیسم*. محمدرضا تاجیک. تهران: نشر نی.
۲۳. محزون، علی. (۱۳۹۵). *پدیده نوظهور در خانواده امروز*. دفتر آمار و مهاجرت سازمان ثبت احوال کشور.
۲۴. مرکز آمار ایران: <https://www.amar.org.ir>
۲۵. معیذفر، سعید. (۱۳۹۴). *زنان و فرهنگ شهری*. تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
۲۶. منصور، احمد. (۱۳۹۲). *دیدگاه‌های نظری خیانت زناشویی و بهبود روابط با تأکید بر راهبردهای عملی مشاوره‌ای*. تهران: آوای نور.
۲۷. هالفورد، د. ک. (۱۳۸۴). *زوج‌درمانی کوتاه‌مدت*. مصطفی تبریزی؛ مژده کاردانی و فروغ جعفری. تهران: انتشارات فرا روان.
۲۸. یگانه‌مهر، زهرا. (۱۳۹۱). *بررسی عوامل ناسازگاری زناشویی در شهرستان گرمسار*. فصلنامه دانش انتظامی سمنان. سال سوم. شماره هفتم.

29. Adams J. & W. Jones. (1997). The Conceptualization of Marital Commitment: An Integrative Analysis. *J Pers Soc Psychol*. 72 (5): 1177-1196.
30. Amoto, P. (2008). Continuity and Change in Marital Quality between 1980 and 2006. *J Marriage Fam*. 1-23.
31. Bauman, Z. (2005). *Liquid Life*. Cambridge. Polity Press.
32. Ellen Byrd, S. (2009). The Social Construction of Marital Commitment. *Journal of Marriage and Family*. 71 (2). 318-336.
33. Greene, K. & S. L. Faulkner. (2005). Gender, Belief in the Sexual Double Standard, and Sexual Talk in Heterosexual Dating Relationships. *Sex Roles*. Volume 53. Issue 3-4. pp 239-251.
34. Jeanfreau, M. M. (2009). *A Qualitative Study Investigating the Ecision- Making Process of Women's Participation in Marital Infidelity, An Abstract of a Dissertation Submitted in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy*. University Manhattan. Kansas.
35. Hyunbee, C. R. (2014). Religiosity as Predictor of Marital Commitment and Satisfaction in Korean American Couples. *University of Southern California*. PP. 300-318.
36. Iyigun, M. (2009). *Marriage, Cohabitation and Commitment, Department of Economics*.

University of Colorado.

37. Kleine, M. (2011). *The Impact of Accounts and Attributions Following Marital Infidelity*. A Dissertation Resented in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy. University of Missouri–Columbia.

38. Lewin, K. (1942). *Field Theory and Learning*. In *The Psychology of Learning*. The Yearbook of the National Society for the Study of Education.

39. Nock, S. L. (1995). A Comparison of Marriage and Capability Relationship. *Journal of Family Issues*. 16. 53-77.

40. Rusbult, C. E. & B. P. Buunk. (1993). Commitment Processes in Close Relationships: An Interdependence Analysis. *Journal of Social and Personal Relationships*. 10. 175-204.

41. Silverman, D. (2005). *Doing Qualitative Research*. London: Sage Publication.

42. Valynv. S. (2011). *Marital Commitment and Religiosity in a Simple of Adults in Utah*. Unpublished Doctoral Dissertation. Colombia University.

43. Weigel, D. J.; C. Brown & C. K. O’Riordan. (2011). Everyday Expressions of Commitment and Relational Uncertainty as Predictors of Relationship Quality and Stability Over Time. *Communication Reports*. 24. PP 38-50: <http://dx.doi.org/10.1080/08934215.2010.511400>

